

کمیسیون حقوق بشر: سوء استفاده جنسی از کودکان تکان دهنده است



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با نشر گزارشی در مورد وضعیت کودکان افغانستان گفته است که نیمی از کودکان این کشور کار می‌کنند. براساس آمار این کمیسیون، در سال جاری تا حالا ۴۰۰ مورد تجاوز جنسی بر کودکان ثبت شده است. در گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر آمده است که ۵۱ درصد کودکان کار می‌کنند. ۴۵ درصد از این کودکان گفته اند که به دلیل فقر مجبورند کار کنند. چهار درصد این کودکان شبانه کار می‌کنند.

سیما سمر، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان روز شنبه در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «متأسفانه تعداد زیاد اطفال مجبور می‌شوند تا به کارهای شاقه مثل خشت مالی، قالین بافی و کار...»

ادامه صفحه ۶

جستجوی ملت‌سازی در افغانستان



صفحه ۶

«پشتون‌ها ادعا دارند که ۶۵ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، تاجیک‌ها می‌گویند ۴۵ درصد هستند، هزارها می‌گویند ۲۵ درصد هستند، ازبیک‌ها می‌گویند ۲۰ درصد هستیم و اگر سایر اقوام را هم در نظر بگیریم حدود ۱۹۹ درصد می‌شود، بنابراین کشوری که حدود ۹۹ درصد هویت آن کاذب باشد، چطور می‌تواند به وحدت ملی دست پیدا کند»

کرزی:

امریکا با ما بازی می‌کند

هند تقاضای افغانستان را بر آورده می‌سازد

رییس‌جمهور کرزی می‌گوید که پیمان امنیتی به نفع مردم افغانستان است و مردم موافقت خود را با این پیمان اعلام کرده‌اند، ولی همچنین بر این باور هستیم که حفاظت از خانه‌های مردم افغانستان و از سرگیری مذاکرات صلح با طالبان نیز باید پیش شرط اصلی امضای این پیمان باشد. عدم امضای این پیمان به معنای خروج کامل نیروهای امریکایی خواهد بود اتفاقی که دو سال پیش نیز در عراق افتاد. با خروج نیروهای امریکایی خشونت‌های مرگبار در عراق نیز به شدت افزایش یافته و از ابتدای امسال تاکنون بیش از ۸ هزار نفر در این کشور کشته شده‌اند. کرزی گفت، من فکر نمی‌کنم امریکایی‌ها از افغانستان خارج شوند و تنها دارند با ما بازی می‌کنند. جیمز دابینز

نماینده ویژه امریکا در افغانستان و پاکستان در نشست کمیته روابط خارجی سنا تاکید کرد، تاخیر در نهایی شدن پیمان امنیتی با امریکا هزینه‌ها و خسارات زیادی را بر مردم افغانستان تحمیل خواهد کرد.

حامد کرزی که در سفر چهارروزه در هند بسر می‌برد، روز شنبه در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره دلیل موافقت نکردن با امضای قرارداد امنیتی با امریکا افزود: وقتی یک مقام رسمی امریکا می‌گوید که اگر قرارداد دوجانبه را امضا نکنید کشورتان دچار جنگ داخلی می‌شود ما این گفته را تهدید تلقی می‌کنیم.

وی گفت: مردم افغانستان با قرارداد دو جانبه با امریکا موافقت کرده‌اند اما دیگر نمی‌خواهند سرزمینشان هدف بمب‌ها و حملات نیروهای ناتو قرار گیرد و امریکا باید



تضمین کند که به احساسات مردم افغانستان احترام می‌گذارد.

وی ضمن انتقاد شدید نسبت به کمک‌های مالی به نیروهای ناتو در افغانستان گفت: من سیاست را که بر اساس آن میلیاردها دلار به نیروهای ناتو داده می‌شود تا به خانه‌های افغان‌ها حمله کنند و این کار را حق خود بدانند، قبول ندارم. کرزی با اشاره...

ادامه صفحه ۶

داکتر عبدالله:

دست‌هایی در آستانه انتقال سیاسی نفاق‌افگنی می‌کنند

داکتر عبدالله نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری می‌گوید که دست‌هایی در آستانه انتقال قدرت سیاسی و انتقال مسوولیت‌های امنیتی، آتش نفاق و مسایل زبانی و قومی را دامن می‌زنند.

این نامزد انتخابات آینده ریاست‌جمهوری و رییس ائتلاف ملی، روز گذشته در یک نشست خبری در کابل گفت که در آستانه انتقال قدرت سیاسی و انتقال مسوولیت‌های امنیتی، چیزی که مردم به آن ضرورت بیشتر دارند، تقویت روحیه و احساس وحدت ملی است.

اما داکتر عبدالله علاوه کرد که متأسفانه در این قسمت، بعضی دست‌ها مغرضانه کار می‌کنند و آتش نفاق زبانی و قومی را دامن می‌زنند.

او از این حلقه‌ها نام نبرد و تاکید کرد که دامن زدن همچو مسایل، سلامت افغانستان را به مخاطره می‌اندازد.

این نامزد ریاست‌جمهوری گفت: «در این قسمت، ندای ما و خواست ما از مردم این است که به هوشیاری کامل



عمل نمایند، طعمه و شکار اهداف شوم و دست‌هایی که می‌خواهند افغانستان و سلامت کشور را برهم بزنند، نشوند.» همچنان، داکتر عبدالله در واکنش به بریده‌شدن بینی و لب‌های یک زن توسط همسرش در ولایت هرات گفت که در این اواخر، خشونت علیه زنان در کشور به اوج خود

در برگ‌ها



دلایل امتناع کرزی از امضای پیمان امنیتی با امریکا چیست؟

دردسر های حقیقت



راوی

صادق مردم افغانستان



سومین نشست مشورتی آجندای ملی - پنجشیر



محمد اکرام اندیشمند

دلایل امتناع کرزی

از امضای پیمان امنیتی با امریکا چیست؟

و رییس‌جمهور آینده سخن نگفته‌اند. آخرین شرط امضای پیمان از سوی رییس‌جمهور کرزی - البته اگر شروط دیگری بر آن نیافزاید - به دو نکته برمی‌گردد:

۱- خودداری امریکایی‌ها از ورود به خانه‌های مردم برای بازرسی
۲- فشار بر پاکستان و همکاری جدی در جهت آغاز مذاکرات صلح با طالبان.

رییس‌جمهور امریکا با ارسال نامه‌یی به رییس‌جمهور کرزی در نخستین روز تدویر لویه جرگه مشورتی (۳۰ عقرب ۱۳۹۲ برابر با ۲۱ نومبر ۲۰۱۳)، به مطالبه نخست کرزی پاسخ داد. خوانش بخشی از این نامه توسط او به اعضای لویه جرگه، حکایت از رضایت وی در این مورد داشت. شگفت‌آور این بود که کرزی در نخستین روز لویه‌جرگه، نیازمندی افغانستان را به امضای پیمان امنیتی دوجانبه به تفصیل بیان کرد.

و اما شرط دوم کرزی که امریکا باید نقش جدی در تحقق صلح ایفا کند و حتا از تأمین این شرط در مدت یک ماه سخن گفت، آیا قابل توجیه در امتناع از امضای پیمان است؟ بدیهی‌ست که انتظار رییس‌جمهور کرزی از امریکایی‌ها در جهت اعمال فشار بر پاکستان - که حامی اصلی طالبان و عامل خارجی جنگ افغانستان شمرده می‌شود - یک انتظار به‌جا است. امریکایی‌ها، از اعمال هرگونه فشار جدی و واقعی بر پاکستان که به تغییر سیاست آن‌ها در حمایت از طالبان بیانجامد، پرهیز کرده‌اند. اما کرزی فراموش می‌کند که او علیه پاکستان ادعای ارضی دارد که دولت و زمام‌داران این کشور، دخالت در امور افغانستان را پاسخی در برابر این ادعا می‌دانند و آن را ابزاری در جهت تأمین تمامیت ارضی و منافع کشورشان می‌خوانند.

آیا کرزی و هم‌فکران او در داخل حاکمیت و حتا بیرون از حاکمیت، از چنین ادعایی می‌پرهیزند تا پاکستان نیز از این ابزار صرف نظر کند؟

حتا اگر امتناع کرزی از امضای پیمان برای جلوگیری از دخالت امریکایی‌ها در امور داخلی افغانستان باشد، این دخالت و میزان آن نیز بسته‌گی به دخالت‌پذیری دولت افغانستان و به‌ویژه رهبری این دولت دارد. یک دولت ملی، قانون‌مدار، عدالت‌گستر و پاسخ‌گو، با رهبری سالم و متعهد به منافع ملی، از کمک خارجی و حضور نیروی خارجی بر مبنای توافقات دوجانبه در جهت پایدارسازی استقلال و حاکمیت ملی خویش بهره می‌گیرد. اما بر عکس، دولت فاسد با رهبری ناسالم و ناتوان، موجب دخالت و سلطه خارجی می‌شود.

شاید رییس‌جمهور کرزی که در اکتوبر ۲۰۰۱ با چرخبال‌ها و مشایعت تفنگ‌داران امریکایی وارد افغانستان شد و با حمایت دولت ایالات متحده بر کرسی اقتدار تکیه زد، بیشتر از هر کس دیگری امریکاشناس باشد و نیات و اهداف امریکایی‌ها را در قبال افغانستان پس از امضای پیمان امنیتی بهتر بفهمد، و شاید او با این شناخت، کارت بازی بر سر امضای پیمان را به نقطه فشاری بر امریکا در جهت پذیرش حداکثر منافع افغانستان مبدل کند. ولی این خطر را نیز نباید از نظر دور داشت که شاید کرزی بازی بر سر پیمان را در حالی ببازد که کارت بازی در دستان خالی وی باقی بماند و سپس آویزه گردنش شود.



۳- زدودن تصویر دست‌نشانده‌گی و وابسته‌گی به امریکایی‌ها از طریق اجتناب از امضای پیمان امنیتی و تبدیل شدن وی به «بابا» و «مُشر» به‌ویژه در میان قبایل و جامعه پشتوزبان افغانستان.

۴- تحقق مذاکره با طالبان و دسترسی به توافق صلح، تا کرزی در پایان زمام‌داری خویش به عنوان قهرمان صلح تبارز یابد.

۵- اعمال فشار واشنگتن بر پاکستان تا به توقف دخالت پاکستان در افغانستان بیانجامد و موجب همکاری اسلام‌آباد برای تأمین صلح و ثبات شود.

۶- جلوگیری از دخالت امریکا در امور داخلی افغانستان و جلوگیری از نیات و تصمیمات امریکایی‌ها که با منافع و مصالح ملی افغانستان در تعارض باشد.

۷- جلوگیری از هرگونه عملیات نظامی امریکایی‌ها غرض پایان دادن به کشتار مردم ملکی و توقف بازرسی خانه‌های مردم.

۸- واداشتن امریکایی‌ها به پذیرش تعهدات بیشتر در جهت منافع ملی افغانستان.

۹- بیرون راندن امریکایی‌ها و متحدین غربی‌شان از افغانستان در بدل حمایت‌گران و کمک‌کننده‌گان جدید خارجی دیگر، چون: سازمان همکاری شانگهای، جمهوری اسلامی ایران، هندوستان و یا پاکستان و عربستان سعودی.

۱۰- بازگرداندن طالبان به قدرت سیاسی در جهت اعاده نظام سنتی قبیله‌یی و پایان دادن به نظام سیاسی کثرت‌گرا و مردم‌سالار.

اما به‌سختی می‌توان اظهار کرد که کدام‌یک از خواست‌ها و اهداف یاد شده، عامل اصلی امتناع رییس‌جمهور کرزی از امضای پیمان امنیتی است تا او از برگ پیمان برای دست‌یابی به آن بهره بگیرد. امریکایی‌ها نیز از مطالبات پنهان کرزی حتا در مورد انتخابات ریاست‌جمهوری

خودداری رییس‌جمهور کرزی از امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده امریکا، در حالی که زمام‌داری وی طی این دوازده‌سال مرهون حمایت‌های نظامی و مالی امریکا و متحدانش بوده؛ پرسش‌های بسیاری را برمی‌انگیزد. بسیار روشن است که در نبود چنین حمایتی، صعود حامد کرزی به کرسی اقتدار سیاسی، متصور نبود و حتا اکنون نقطه پایان این حمایت، نقطه پایان زمام‌داری او و تمام میراث دوران وی، از دولت تا دستاوردهای دولت تحت رهبری او شمرده می‌شود. علی‌رغم آن، کرزی هم‌چنان از امضای پیمان امنیتی احتراز می‌ورزد و بر شرایط خود برای امضای پیمان پا می‌فشارد. شگفت‌آور این‌که کرزی در جهت امضای پیمان، پیوسته از یک شرط به شرط دیگر می‌پرد و حتا با زبان تهدید سخن می‌گوید. پشت پا زدن به خواست لویه‌جرگه‌یی که به‌رغم مخالفت‌ها و عدم دستاویز قانونی، پول هنگفتی را برای تدویر آن هزینه کرد، یکی از شگفتی‌های رفتار غیر قابل پیش‌بینی کرزی در پرهیز از امضای این پیمان است.

اما ریشه‌های این احتراز به کجا می‌رسد و عصیان رییس‌جمهور در برابر واشنگتن، در چه رمز و راز نامکشوفی نهفته است؟

مسئله رییس‌جمهور کرزی در صدد آن است تا از این پیمان، به مثابه کارت بازی با امریکایی‌ها در رسیدن به انتظارات و مطالبات خود استفاده کند. اما شاید برخی از مطالبات وی را بتوان این‌گونه برشمرد:

۱- توافق و تعهد امریکایی‌ها مبنی بر حمایت از نامزد مورد نظر او در انتخابات ریاست‌جمهوری و رساندن آن نامزد به کرسی ریاست‌جمهوری.
۲- تضمین نفوذ و تأثیرگذاری سیاسی رییس‌جمهور کرزی در دوره بازنشسته‌گی و مصونیت اقتصادی وی و برادرانش.

سخن‌ماندگار

چه‌گونه مسوول استخباراتی طالبان زنده است؟

دوازده‌سال از حکومت آقای کرزی و جنگ با تروریسم می‌گذرد و همواره از یک سیاست دوگانه در برابر طالبان و جنگ با تروریسم از جانب امریکایی‌ها، نیروهای آیساف و حامد کرزی انتقاد شده است. این انتقادها در مواردی از سوی مردم ارایه شده و در مواردی نیز رییس‌جمهور از یک نوع تبانی میان امریکایی‌ها و طالبان سخن گفته است. به همین‌گونه، گاهی شخص رییس‌جمهور طالبان را دشمن خطاب کرده و گاه آنان را برادر خوانده و با آن‌ها همدردی‌های زیادی نشان داده است.

اخیراً با نشر گزارشی در یک مجله خارجی که در رسانه‌های افغانستان نیز بازتاب داشت، دیده می‌شود که در جنگ با تروریسم؛ دورویی‌ها، نادرستی‌ها و کتمان‌کاری‌های زیادی صورت گرفته است که نگاه به آن، امروز وضعیت جنگ با تروریسم را دچار یک تحلیل بدبینانه می‌کند. از جمله این‌که در این روزها رسانه‌ها سرگرم انعکاس خبری هستند که از زنده بودن کسی حکایت می‌کند که بر بنیاد اسناد نشرشده در یازده سال گذشته، کشته شده است.

یک گزارش تازه نشان می‌دهد که قاری احمدالله رییس استخبارات رژیم طالبان، زنده است و در بیرون از افغانستان، به فعالیت‌های ضد دولت و نظامیان خارجی می‌پردازد. این مرد که از کلیدی‌ترین اعضای گروه طالبان شمرده می‌شود، در سال ۲۰۰۱ میلادی، در ولایت پکتیا، آماج حمله جنگنده‌های امریکایی قرار گرفت و در همان اوان، خبر مرگ او نیز نشر شد. این درست زمانی بود که افراد گروه طالبان، در تلاش بودند که خود را از تیررس نیروهای امریکایی نجات داده و به پاکستان فرار کنند. هفته گذشته، موجب مشعل یک خبرنگار ازاد افغان، گزارش تحقیقی‌یی را برای مجله امریکایی هارپر تهیه کرد که حاکی از زنده بودن قاری احمدالله داشت. در این گزارش، از زبان برادر قاری احمدالله که مولوی نعیم نام دارد، گفته شده که برادر وی هنوز زنده است. پرسش این‌جاست که چرا پس از گذشت ده سال، این راز افشا می‌شود و برادر قاری احمدالله، از زنده بودن این چهره استخباراتی طالبان خبر می‌دهد. اما در کنار این سوال، پرسش دیگری نیز مطرح است این‌که: چرا برنامه‌ها برای آماج قرار دادن سران گروه طالبان در افغانستان، همواره به بن‌بست می‌انجامد و برعکس در پاکستان، همواره رهبران کلیدی طالبان پاکستانی که ضد دولت آن کشور فعالیت دارند، از پا درمی‌آیند. حال آن‌که درباره طالبان افغانستان گفته می‌شود که بسیاری از سران آن‌ها که نام‌های‌شان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد نیز درج است، در مرز میان افغانستان و پاکستان پنهان هستند و ظاهراً تا کنون هیچ تلاش مثمیری برای از میان برداشتن آنان، صورت نگرفته است.

هنوز مقام‌های افغان در برابر پخش این گزارش واکنشی نشان نداده‌اند و منابع امنیتی نیز تنها بر یافته‌های پیشین‌شان، مبنی بر کشته شدن قاری احمدالله در سال ۲۰۰۱ میلادی تأکید می‌ورزند. اما حالا دو پرسش کلان این‌جا بدون پاسخ مطرح مانده‌اند که: چرا پس از گذشت ده سال، خبر زنده بودن یک مقام ارشد طالبان پخش می‌شود، و چرا چهره‌های مشهور طالبان به جز ملا دادالله، مورد حمله قرار نگرفته‌اند و آزاد اند.

پاسخ به این دو پرسش، با توجه به پیچیده‌گی‌هایی که جنگ با تروریسم در افغانستان داشته است، بسیار مهم می‌نماید. زیرا جنگ در برابر تروریسم، بازی‌های استخباراتی‌یی را به همراه دارد که گاهی عقل نیز از درک آن عاجز می‌ماند.

این‌که در زنده مانده این مقام استخباراتی طالبان، چه اسراری نهفته است و چرا دیگر مقامات طالبان هدف حملات امریکایی‌ها و نظامیان افغان قرار نگرفته‌اند، پرسش‌هایی‌اند که پاسخ دادن به آن، در عین زمان ساده‌گی‌ها و دشواری‌های خودش را دارد. اما در صورتی که زنده بودن احمدالله ثابت شود، این گمانه نیز به یقین نزدیک می‌شود که بازیگران بزرگ برای طالبان برنامه‌هایی دارند که باید از آن برنامه‌ها هراسید.

ولی علی‌رغم همه این‌ها، بازهم آرزو می‌کنیم که این مقام طالبان اولا زنده نباشد، و ثانياً اگر زنده هم هست، این زنده ماندن، صرفاً از سر شانس و تصادف باشد نه کدام توطیه و تمهید دیگر!

داوود اوغلو: مذاکرات قبرس در مرحله حساسی قرار دارد



وزیر امور خارجه ترکیه اعلام کرد: مذاکرات برای حل بحران‌های چند دهه گذشته در قبرس در حال نزدیک شدن به یک لحظه حساس و بحرانی است.

احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه در جریان سفر خود به یونان گفت: ما در مورد یک راه حل نسبی و مقطعی صحبت نمی‌کنیم. مساله قبرس مساله‌ی است که باید به صورت کامل مورد بحث قرار گیرد و نیازمند یک راه حل تکمیلی است. ما هم‌اکنون به مرحله حساس و نقطه‌ی بحرانی در این باره رسیده‌ایم.

وی افزود: از حالا به بعد شما می‌توانید یا شاهد یک راه حل سیاسی برای این مساله باشید یا آنکه هیچ کاری انجام ندهید اما ساده‌ترین راه حل سازمان ملل است.

داوود اوغلو در یک سری نشست‌ها در جریان سفرش به آتن حضور یافت که از جمله آن می‌توان به دیدار و گفت‌وگو با آنتونیوس ساماراس، نخست‌وزیر و اوانجولوس نیزیوس، وزیر امور خارجه یونان اشاره کرد.

این سفر از سوی داوود اوغلو به یونان در حالی صورت گرفت که تنش‌های اخیر بر سر قبرس ترک‌نشین افزایش یافته و اقدامات از سوی این منطقه به شدت از سوی آمریکا، انگلیس و سازمان ملل مورد حمایت است.

داوود اوغلو همچنین با جان کری، همتای آمریکایی و ویلیام هیگ، همتای انگلیسی‌اش به صورت تلفنی به تبادل مساله مورد نظر پرداخت و در مورد تحولات مربوط به مذاکرات قبرس پیش از سفرش به آتن با این دو گفت‌وگو کرد.

در این تماس تلفنی جان کری و ویلیام هیگ تمایل و استقبال خود را از مذاکرات یونان و ترکیه ابراز داشتند.

وزیر امور خارجه ترکیه در ادامه گفت: هم‌اکنون آتن و آنکارا در تلاش‌اند تا در مورد مذاکره و بحث بر سر قبرس به اشتراک نظر برسند. آمریکا و انگلیس نیز در این مساله دخیل هستند. یونان و ترکیه در مورد بیانیه‌ای که خلاصه‌ای از مذاکرات پیشین است همکاری و فعالیت می‌کنند. در صورتی که توافق مورد نظر طرف چند روز آتی به دست آید هر دو طرف بر سر دستیابی به راه‌حلی فعالیت خود را آغاز می‌کنند.

قبرس یونانی‌نشین و ترک‌نشین طرف سه ماه گذشته بر سر این بیانیه به بحث پرداخته‌اند و قبرس یونانی‌نشین پیش شرط‌هایی را برای آغاز مذاکرات اعلام کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به استقلال، شهروندی و حضور جداگانه در عرصه بین‌المللی اشاره کرد. در حالی که طرف ترک‌نشین آن خواستار یک چارچوب زمانی برای مذاکرات شده است.

این در حالی است که رهبری قبرس یونانی‌نشین تمایلی به محدود ساختن بازه زمانی مذاکرات ندارد.

علاوه بر این قدرت‌های غربی و اتحادیه اروپا امیدوارند که دو طرف برای حل این مشکل که ۴۰ سال از آن می‌گذرد بار دیگر بر سر میز مذاکره بنشینند. قبرس ترک‌نشین قصد دارد تا مذاکرات را در نیمه نخست سال ۲۰۱۴ میلادی تکمیل کند و برنامه صلح را برای برگزاری فروردین در بهار سال آتی میلادی برقرار سازد.

کری:

نسبت به اعطای اختیارات ویژه به مادورو نگرانیم

وزیر خارجه آمریکا گفت واشنگتن از اعطای اختیارات ویژه به رئیس جمهور ونزوئلا نگران است.

جان کری، وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه ای خبری ضمن اشاره به روابط میان کشورش و ونزوئلا اعلام کرد که آمریکا نگران دولت ونزوئلا است.

کری گفت: آرزو داریم که دولت تلاش خود را به کار گیرد تا به مطالبات مردم رسیدگی کند و همچنین تصمیم بگیرد تغییراتی اساسی در روابط خود با ما انجام دهد.

وزیر خارجه آمریکا ضمن اشاره به اعطای اختیارات ویژه نیکلاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا گفت: ما از اعطای قدرت های ویژه به مادورو بسیار نگران هستیم. از نظر ما مادورو از طریق این اختیارات به سو استفاده از مردم می پردازد و از این طریق حقوق شهروندان را زیر پای می گذارد. وی خاطر نشان کرده است فردا (۲۴ قوس) در خصوص کشور های آمریکای لاتین پیوسته رابطه آمریکا و ونزوئلا مصاحبه ای با شبکه اسپانیایی زبان «سی ان ان اسپانیایی» خواهد کرد.

دالایی‌لما:

وظیفه ماست دنباله‌رو ماندلا باشیم



رهبر معنوی بودایی‌های تبت در فقدان نلسون ماندلا، رهبر ضد آپارتاید آفریقای جنوبی سخنرانی کرد و غم و اندوه خود را از این فقدان ابراز داشت.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، دالایی لاما، رهبر معنوی بودایی‌های تبت در مراسمی که زنده از تلویزیون پخش می‌شد و توسط بنیاد نلسون ماندلا در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی برگزار شد، گفت: ما از نبود نلسون ماندلا، رهبر ضد آپارتاید آفریقای جنوبی غمگین هستیم. اگرچه غم و اندوه در مقابل فقدان ماندلا چیزی نیست. البته بهتر است این اندوه را به قدرت ماندلا در اجرای صلح و برقراری آن ترجمه کنیم.

ماندلا در سال ۱۹۹۳ میلادی و چهار سال پس از دالایی لاما، جایزه صلح نوبل را گرفت و این دو در سال ۲۰۰۴ در ژوهانسبورگ یکدیگر را ملاقات کردند.

رهبر مذهبی بودایی‌های تبت همچنین اعلام کرد: ماندلا را به عنوان یک انسان بزرگ تحسین می‌کنم چرا که تاثیر زیادی بر جهان گذاشته است. بنابراین، امروز وظیفه ما این است که باید دنبال رو او باشیم.

دالایی لاما دوباره از دریافت ویزا از سوی آفریقای جنوبی بازماند. یک بار در سال ۲۰۱۱ میلادی و برای شرکت در مراسم ۸۰ سالگی دزموند توتو، مبارزه ضد آپارتاید و دوست ماندلا و دیگری در سال جاری میلادی برای شرکت در مراسم تدفین ماندلا.

آفریقای جنوبی برای این کار علتی بیان نکرده اما این اقدام به نظر می‌رسد که با هدف جلوگیری از بروز خشم و عصبانیت چین بوده باشد چرا که پکن، دالایی لاما را یک جدایی طلب می‌داند که باعث بروز ناآرامی در تبت شده است.

چهلمین اجلاس سازمان همکاری های اسلامی برگزار شد

چهلمین اجلاس سازمان همکاری اسلامی در گینه با حضور وزاری امور خارجه کشورهای عضو برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، چهلمین اجلاس سازمان همکاری اسلامی در گینه با حضور وزاری امور خارجه کشورهای عضو و با محوریت موضوع فلسطین برگزار شد.

نقش ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی در بحران فلسطین و تعریف ماموریت ویژه در همین راستا و از سوی حمایت از امکان مقدس و ممانعت از هتک حرمت آزادانه به آنها از موضوعات قابل بررسی در این گردهمایی بود.

این گردهمایی که با حضور نماینده دائمی سازمان ملل برگزار شد بحران های سوریه و فلسطین و وضعیت مسلمانان در این کشورها را از منظر گذراند و از سوی دیگر شامل راهکارهای سیاسی در این باره بوده است.

این در حالی است که سال گذشته نیز نشست سران کشورهای اسلامی در سازمان همکاری اسلامی با استخراج قطعنامه های مشابهی به پایان رسید که هیچ از آنها به درجه اجرا نائل نشده است.



اوکراین؛

چالش جدیدی در مناسبات واشنگتن - مسکو



ناآرامی ها در اوکراین می تواند به آزمون دشوار دیگری برای مناسبات روسیه و امریکا تبدیل شود. در ابتدای بحران هر دو طرف (روسیه و امریکا) سعی کردند خود را خارج از این مسئله نشان دهند، اما اخیرا وضعیت تغییر کرده و لحن ها شدیدتر شده است.

در اوکراین هفته هاست که اعتراض ها علیه تصمیم دولت اوکراین مبنی بر لغو قرارداد تجارت آزاد با اتحادیه اروپا آغاز شده و ادامه دارد. واشنگتن تا کنون در برابر این مسئله کم و بیش سر بسته و پوشیده موضع گیری کرده است.

بعد از اعتراضات گسترده در کیف در هفته گذشته، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا اعلام کرد که اوکراین می تواند مناسبات تنگاتنگی با روسیه، اتحادیه اروپا

و ایالات متحده داشته باشد. به اندازه کافی برای همه جا وجود دارد که دوست باشند. اما در یک گفتگوی تلفنی بین معاون رییس جمهوری امریکا و رییس جمهوری اوکراین که روز دوشنبه، نهم دسمبر انجام شد کم تر لحن دوستانه یی را می شد احساس کرد و درباره موضع اخیر جان کری در این باره هم همین گونه است.

هم جان کری و هم جو بایدن اعمال خشونت علیه معترضان اوکراینی را محکوم کرده و همزمان تاکید کردند که از رهبری اوکراین برای برگشت بر سر میز مذاکره با اتحادیه اروپا حمایت می کنند.

از طرفی وزارت امور خارجه امریکا همچنین تصویب قطعنامه علیه دولت اوکراین را نیز مد

نظر قرار داده است.

جفری مانکوف از کارشناسان مسائل روسیه در مرکز بررسی های بین المللی و استراتژیک واشنگتن در این باره گفته است که در اظهار نظرهایی که از واشنگتن درباره اوکراین مطرح شده است نامی از روسیه برده نشده بلکه تنها از اوکراین نام برده شده است. هیچ کجا این مسئله مطرح نشده است که روسیه باید پای خود را از این مسئله کنار بکشد یا به اعمال فشار بر اوکراین خاتمه دهد.

جسیکا گینو هجت از کارشناسان آلمانی نیز در این باره اظهار داشت که امریکایی ها اول از همه به این علاقمندند که مناسبات خود با روسیه را بهبود بخشند. بنابراین تلاش می کنند تا بیشتر پیشرفت ها در مسائل مهم بین المللی را مد نظر قرار دهند، امریکا و روسیه در ماه

های گذشته دوباره در طرفین میز مذاکره دیده شدند از جمله در مسائلی چون حل بحران سوریه، مناقشات اتمی ایران با غرب و مسأله تحویل اسنودن به امریکا.

در مسأله سوریه و ایران واشنگتن و مسکو در هر صورت به توافقاتی دست پیدا کردند. به اعتقاد مانکوف برای هر دو طرف (واشنگتن و مسکو) واضح است که بحران در اوکراین می تواند برای مناسبات دو کشور مسئله ساز باشد. واشنگتن با نگاهی به نقش روسیه در اجتناب اوکراین از امضای قرارداد تجارت آزاد با اتحادیه اروپا موضع محتاطانه ای را در قبال این مسئله اتخاذ کرده است.

البته به اعتقاد «جسیکا هجت» اهداف طولانی مدت سیاست خارجی اواما با این همه معما گونه باقی می ماند.

بخش نخست

درک سرهای حقیقت

آلنکا زویانچیک

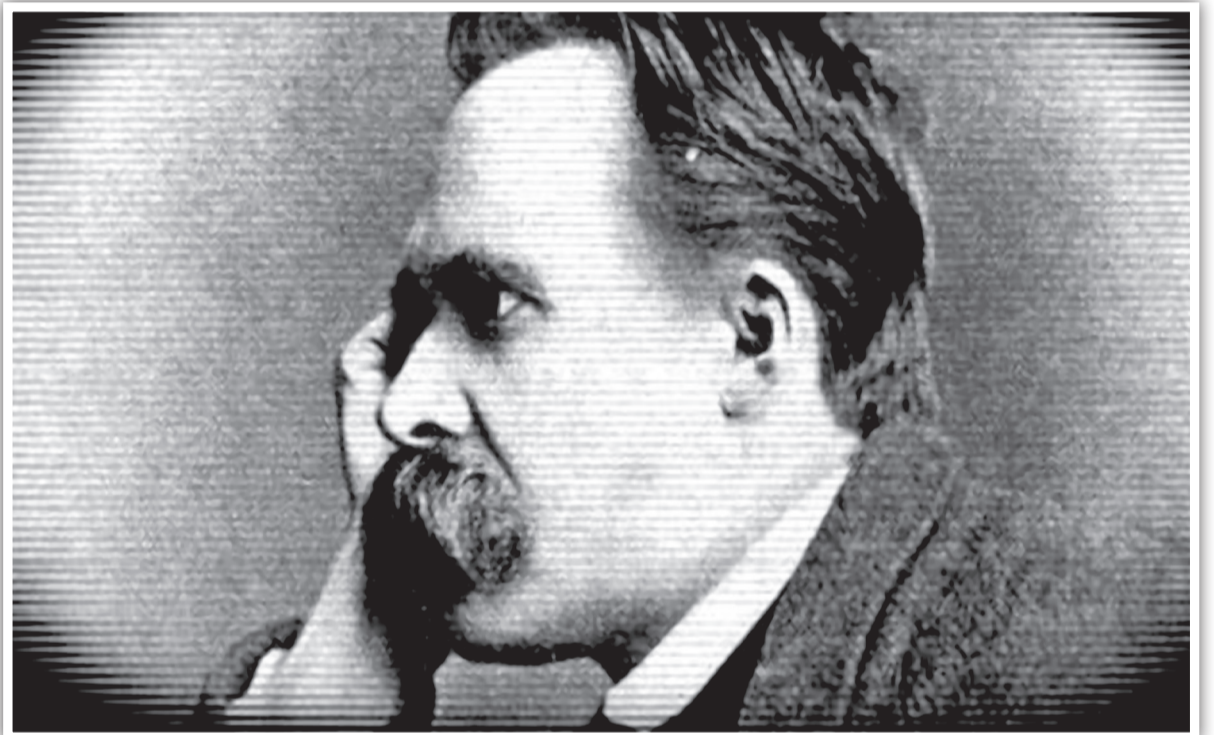
برگردان: صالح نجفی، علی عباس بیگی

در این جا تلاش خواهیم کرد تا از طریق بازبینی برخی از مضامین اصلی نیچه، مفهوم چیزی را که در نیچه هیچ مفهومی ندارد و تنها یک تصویر (زبانی) تکرار شونده است، بیان کنیم. این تصویر یا استعاره نیمروز، یا ظهر در مقام سیمای دو است. برای نیچه، نیمروز لحظه یکی شدن نیست، لحظه‌یی نیست که خورشید همه چیز را در بر می‌گیرد؛ بلکه همچون لحظه‌یی عرضه می‌شود که «یکی دوتا می‌شود» [۱] یا همان لحظه «کوتاه‌ترین سایه» [۲] نیچه همچنین پیوندی تنگاتنگ برقرار می‌کند میان نیمروز و آنچه «فراسوی خیر و شر» است، و همچنین با تلقی خود از حقیقت به منزله تفاوت ظریف آن اصطلاحاتی که در نوشته‌های نیچه بیشترین و نزدیکترین پیوند را با تصویر نیمروز دارند، به قرار ذیل اند: ابدیت، نگاه، یک دواتاشده، کوتاه‌ترین سایه، تفاوت ظریف، میان، و تقریباً. اگر بخواهیم

به‌زعم بدیو به‌همین دلیل است که می‌توان دلوز را متفکری نیچه‌یی خواند: برای نیچه، زنده‌گی تفاوت‌های ارزش‌ها را می‌آفریند، زنده‌گی قدرت ارزش‌یابی است، واگرایی در کنش. اما زنده‌گی را از حیث خنثابودن ویژه‌اش نمی‌توان ارزش‌یابی کرد. ارزش زنده‌گی را نمی‌توان ارزش‌یابی کرد زیرا به بیان ساده، چیزی به‌عنوان زنده‌گی زنده‌گی در کار نیست. تنها یک جنبش و حرکت وجود دارد، فقط یک حرکت هست و پس، حرکتی که آنرا فقط می‌توان «در-میان» دو حرکت تصور کرد: حرکت فعلیت‌یافتن و حرکت بالقوه‌شدن. قدرت وجود، خنثا، غیرشخصی، بی‌نام و تمیزناپذیر است. «زنده‌گی» به‌مثابه یک نام متناظر است با کل مجموعه‌ی خاصه‌های سلبی و تنزیهی.

این نکته سرچشمه تمایزگذاری نیچه میان «قدرت‌مند» و «ضعیف» است. قدرت‌مند بودن ذاتاً آری گفتن است به برابری وجود. ضعیف بودن همانا ضایع‌کردن خنثابودن وجود. همان‌طور که بدیو در ادامه می‌گوید،

«بشو آنچه هستی» بدین معناست که: آدمی فقط آن چیزی است که می‌شود. با این همه برای رسیدن به نقطه‌یی که در آن نیروی غیرشخصی دیگر بوده‌گی، موجب فعال‌شدن این فرآیند شدن یا سیوروت می‌شود، باید با خود همچون یک ترکیب فصلی، یک تحلیل عطفی برخورد کنیم- باید جدا کنیم و منحل سازیم. این کاری است که «قدرت‌مندان» می‌کنند. و باز به همین سبب است که، به‌زعم نیچه، اوج سلامت را از راه بیماری باید جست، زیرا که بیماری سلامت را به یک آری و یک دگر دیسی (و نه یک حال و نوعی ارضا) بدل می‌سازد. حق کاملاً با بدیو است که همه این‌ها، حدّ بالایی از انضباط را می‌طلبند- در این‌جا نظرگاه بدیو در تقابل قرار می‌گیرد با عقیده‌یی سطحی اما شایع درباره فلسفه‌های نیچه و دلوز، که می‌گوید فلسفه‌های آن دو ستایش‌گر امکان‌های بی‌پایان‌اند، ستایش‌گر لایه‌های برهم‌تاخوردۀ حقیقت و وانموده، و واقعیت‌های بالفعل و بالقوه‌یی که بازیگوشانه در میان آن‌ها پرسه می‌زنیم. «هشیاری،



«خنثا بودن» زنده‌گی در فلسفه

نیچه، پهن‌دستی سبز و خرم

نیست که در آن، به تعبیری، هر

گاوی سیاه است، و می‌توانیم به

هر سمت که بخواهیم شادمانه

جست‌وخیز کنیم. این خنثا

بودن بیشتر به لبه یک برگه

کاغذ می‌ماند که دو رویه آن

را از هم جدا می‌کند و در عین

حال به هم وصل می‌کند. این

خنثا بودن قسمی مبنا یا پایه،

یا پس‌زمینه‌یی برای تفاوت‌ها

و تمایزها نیست؛ این خنثا

بودن درست در میانه میدان این

تمایزها جای دارد،

قدرت یا نیروی (قدرت‌مندان) به‌هیچ وجه بدهت ذاتی ندارد؛ این قدرت نوعی تمرکز و تلاش دائمی را پیش‌فرض می‌گیرد، و لازم می‌آورد که ما همه آن مقولاتی را کنار گذاریم که معمولاً از آن‌ها به‌عنوان پناهگاهی برای فعلیت‌مان، فردیت‌مان و من یا الگوی خویش بهره می‌جویم. حکم نیچه مبنی بر آن‌که

هشیاری! این است آنچه این هر دو از ما می‌طلبند. چرا که نه؟ رویارویی با خصلت خنثای زنده‌گی جدیت و متانتی می‌طلبد همچون راه رفتن یک بندباز- این رویارویی مستلزم راه رفتن بر آن لبه‌یی است که میان را برمی‌سازد.

بدین‌سان، باید تأکید کنیم که «خنثا بودن» زنده‌گی در فلسفه نیچه، پهن‌دستی سبز و خرم نیست که در آن، به تعبیری، هر گاوی سیاه است، و می‌توانیم به هر سمت که بخواهیم شادمانه جست‌وخیز کنیم. این خنثا بودن بیشتر به لبه یک برگه کاغذ می‌ماند که دو رویه آن را از هم جدا می‌کند و در عین حال به هم وصل می‌کند. این خنثا بودن قسمی مبنا یا پایه، یا پس‌زمینه‌یی برای تفاوت‌ها و تمایزها نیست؛ این خنثا بودن درست در میانه میدان این تمایزها از آن ساخته می‌شوند- بدین معنی که خنثا بودن فقط در هیات یک لبه هستی دارد. و نیز به‌همین سبب است که نقاط گسست، نقاط انفجار یا بحران، وقفه اغلب نقاطی‌اند که می‌توان گفت، در آن‌ها این «ماده» مرئی و ملموس می‌شود. و البته بدین سبب است که هر که می‌خواهد در حدّ رسالت گام نهادن در این «میان» باشد، باید از مهارت، تمرکز، قدرت، چالاک‌گی و سبک‌پایی یک بندباز نصیب برده باشد.

روش‌های چانه‌زنی بر سر افزایش معاش!



اگر خواهان افزایش معاش خود هستید، حاشیه‌روی نکنید. اصلاً نیازی نیست ده‌ها دلیل برای اثبات لیاقت‌تان ارایه دهید. خوب فکر کنید؛ یک یا دو دلیل اصلی و محکم را انتخاب کرده و آن‌ها را در جلسه مذاکره مطرح سازید.

نکته اول:

خودتان پا پیش بگذارید!

مذاکره در واقع یک صحبت دوطرفه است. نباید منتظر بمانید تا رئیس‌تان تشخیص دهد شما به چه چیزی نیاز دارید یا استحقاق چه مقدار معاش را دارید. برای ایجاد تغییر در شرایط، باید قدم اول را خودتان بردارید.

نکته دوم:

سکوت و عدم پی‌گیری، فرصت‌سوزی است!

عدم پی‌گیری در مورد بحث افزایش معاش، واقعاً به شما لطمه می‌زند. به عنوان مثال دو کارمند ۳۰ ساله را در نظر می‌گیریم که کار و مسوولیت شان دقیقاً یک‌سان است. حقوقی که «احمد» با اداره‌اش سر آن به تفاهم رسیده، ۵۰ درصد بیشتر از «محمود» است. اگر احمد همین ۵۰ درصد را پس‌انداز کند، بعد از سه سال می‌تواند یک موتر شیک و مناسب بخرد. پس شما نیز دست روی دست نگذارید.

نکته سوم:

حاشیه نروید!

اگر خواهان افزایش معاش خود هستید، حاشیه‌روی نکنید. اصلاً نیازی نیست ده‌ها دلیل برای اثبات لیاقت‌تان ارایه دهید. خوب فکر کنید و یک یا دو دلیل اصلی و محکم را انتخاب کرده و آن‌ها را در جلسه مذاکره مطرح سازید. مطمئناً یک یا دو دلیل قانع‌کننده خیلی بیشتر از طوماری از دلایل کوچک و بزرگ نتیجه می‌دهد.

نکته چهارم:

زمان مناسب برای مذاکره را پیدا کنید!

گاهی وقت‌ها تلاش برای کشاندن رئیس بر سر میز مذاکره واقعاً سخت می‌شود. شاید ریسی داشته باشید که هر بار موقع طرح بحث افزایش حقوق شما، سعی می‌کند از سر بازتان کند، اما فراموش نکنید که گاهی بعد از یک جلسه کاری موفقیت‌آمیز، بهترین فرصت برای گفت‌وگو با رئیس فراهم می‌شود. شاید چند دقیقه‌یی بیشتر طول نکشد، اما اگر در جلسه خودی نشان داده باشید، رئیس برای پذیرش پیشنهاد احتمالی شما، آماده‌گی بیشتری خواهد داشت. حتا اگر در همان زمان هم رئیس‌تان علاقه‌یی به گفت‌وگو در این مورد نشان نمی‌دهد، سعی کنید وقتی از او بگریزد و بعداً سر فرصت به مذاکره بنشینید.

نکته پنجم:

یادتان باشد رئیس هم از مذاکره خوشش نمی‌آید!

دلایل مختلفی وجود دارد که باعث می‌شود رئیس‌تان بیشتر از شما از مذاکره فراری باشد. شاید او دوست ندارد درخواست کسی را رد کند و شاید هم می‌ترسد که بازنده مذاکره باشد. اگر رئیس‌تان به بهانه‌های مختلف از مذاکره شانه خالی می‌کند، احتمالاً به دلیل اول است، اما اگر برخورد تندی نشان می‌دهد، احتمالاً به این دلیل است که از واگذار کردن بازی به شما می‌ترسد. پس به عکس‌العمل‌ها دقت کنید و سیاستی را در پیش بگیرید که شرایط شیر و روباه را به حالت شیر و شیر تبدیل کنید. در این صورت، خیال رئیس‌تان راحت می‌شود و می‌فهمد که نمی‌خواهد او را در جایگاه بازنده قرار بدهید.

نکته ششم:

راجع به مسایل مختلف صحبت کنید!

علاوه بر اضافه‌معاش، همواره درخواست‌های دیگری را هم می‌توان در مذاکره با روسا مطرح کرد. گاهی این درخواست‌ها موثرتر واقع می‌شوند و ترتیب اثر دادن به آن‌ها، برای برخی از روسا راحت‌تر از پرداخت معاش بالاتر است. می‌توانید از رئیس خود بخواهید امکاناتی فراهم کند تا شما در دوره‌های آموزشی مشخصی شرکت کنید؛ دوره‌هایی که در آینده به پیشرفت کاری شما کمک می‌کنند. حتا می‌توانید پیشنهاد دورکاری (کار کردن از خانه) را مطرح کنید و یا خواهان تعطیلی بیشتر و یا سپردن کار متفاوت‌تر به خودتان شوید.

منبع: مجله موفقیت

راوی صادق مردم افغانستان

گفت‌وگویی با مریم مفتاحی دربارهٔ خالد حسینی



نویسنده در این رمان از قلم سنگینی بهره می‌برد. ترجمهٔ آن کار راحتی نبود. گاهی اوقات می‌دیدم پنج ساعت گذشت، ولی من در همان پاراگراف هستم. نمی‌خواستم دقت را فدای سرعت کنم. معادل‌یابی و جست‌وجو در انترنِت به واسطهٔ اسامی خاصی که نویسنده در سطح وسیع از آن استفاده کرده است، وقت زیادی از مرا گرفت. این اسامی خاص، چنان بخش مهمی از کار را تشکیل می‌دادند که به عقیدهٔ من، حذف آن‌ها لطمهٔ بزرگی به کتاب می‌زد و کم‌لطفی در حق نویسنده بود. چون او خودش این‌طور خواسته و صلاح را در این دانسته، من نباید اعمال سلیقه می‌کردم و کتاب را از هویت اصلی خود می‌انداختم

«او کوه‌ها طنین انداختند» سومین رمان خالد حسینی به ترجمهٔ مریم مفتاحی در نشر تهران با همکاری نشر آلمان منتشر شد. خالد حسینی در این رمان زنده‌گی سه نسل از مردم افغانستان را

از سال ۱۹۵۲ تا ۲۰۱۰ روایت می‌کند؛ «صبور» و «عبدالله» از شخصیت‌های اصلی رمان هستند. «عبدالله» در کودکی از خواهرش «پری» جدا می‌افتد و ماجراهایی بر آن‌ها می‌رود. روایت دیگر سومین رمان این نویسندهٔ افغانستانی - امریکایی، ماجرای «نبی» و «بی‌بی صاحب» است. مریم مفتاحی معتقد است «من او را راوی صادق مردم افغانستان می‌بینم. اما بله، به سلیقهٔ مخاطب‌های غربی نیز توجه زیادی دارد. او خودش به همان اندازه که شرقی است، غربی هم است.» در این مصاحبه، مترجم به پرسش‌هایم دربارهٔ تازه‌ترین رمان خالد حسینی پاسخ داده است که آن را در این‌جا می‌خوانید.

در مقدمهٔ ترجمه آوردید که خالد حسینی را دوست دارید، با نوشته‌هایش راحت ارتباط برقرار می‌کنید. در آغاز می‌خواهم بدانم، چه چیزی در آثار این نویسنده است که شما را مانند بی‌شمار مخاطب به خودش جذب می‌کند؟ - به عقیدهٔ من، خالد حسینی نویسنده‌ی است که با همهٔ وجودش و با روحی دردمند که به شیوهٔ خودش زخم خورده است و احساسی چندگانه به نوشتن رمان روی آورده است. تناقض‌های زنده‌گی و چراهایش او را لرزانده و به اندیشهٔ او داشته است؛ خودش در رمان می‌گوید هیچ چیز به اندازهٔ زنده‌گی، پاسخ‌های بی‌جواب و ناخوشایند ندارد. خالد حسینی رسالت خویش می‌داند که صدای مردم کشورش و از ابعادی صدای انسان‌ها را به گوش مردم جهان برساند. نوشته‌هایش از دل برمی‌آید و لاجرم بر دل می‌نشیند. من هم در این میان، در جایگاه یک خواننده، از این قاعده مستثنا نبودم. نوشته‌هایش روح مرا تکان داد. دوست داشتم کاری از وی ترجمه کنم. وقتی ترجمهٔ اثرش به من پیشنهاد شد، بی‌درنگ پذیرفتم. می‌دانستم ترجمهٔ خالد حسینی کار راحتی نیست، هم از ابعاد تخصصی کار ترجمه و هم از نظر حاشیه‌هایش. اما چون به ترجمهٔ خودم مطمئن بودم و عشق این کار را داشتم، دست به کار شدم. همچون تشنه‌لی بودم که به من گفته شد «بیا این پیاله آب خنک را بنوش». از آن‌جایی که در ترجمه، بین احساسات و افکار نویسنده و مترجم پلی زده می‌شود و این پل به دست مترجم ساخته می‌شود، قدرت و ساختار این پل در موفقیت ترجمه نقش مهمی ایفا می‌کند. من هم به عنوان مترجم کوشیدم در فضای حسی، روحی و فکری نویسنده قرار بگیرم تا او را اول درک کنم، بعد ترجمه کنم؛ یعنی خالد حسینی را به زبان فارسی بنویسم.

این‌که نویسنده‌ی پرورش است شما را به ترجمهٔ این اثر راغب کرد؛ یا نه دلایل ادبی و هنری کتاب این نویسنده شما را به ترجمهٔ آن مجاب ساخت؟

- بله درست است، موفقیتش در عرصهٔ جهانی، انگیزهٔ مهمی برای ترغیب به ترجمهٔ رمانش بود؛ این را کاملاً بدیهی می‌بینم. همهٔ مترجم‌ها دوست دارند از نویسنده‌گان مطرح دنیا کار ترجمه کنند. اما این حسی که دو رمان قبلی او در من برانگیخت، به همان اندازه قوی بود. کار او را از نظر ادبی و قدرت قلم، ارزشمند می‌دیدم؛ موفقیت اغلب تصادفی نیست.

نکتهٔ مهمی که در آثار خالد حسینی بارز است؛ توجه‌اش به شعر کهن و ادبیات کلاسیک فارسی است. در همین کتاب «او کوه‌ها طنین انداختند» شعرهایی از مولانا می‌آورد، در آثار قبلی‌اش هم به نوعی به اشعار صائب و دیگر شاعران فارسی توجه دارد. آیا فکر نمی‌کنید یکی از امتیازهای متن این نویسندهٔ افغانستانی، توجه به عقبهٔ ادبیات کلاسیک سرزمین مادری‌اش است؟

- بله، قطعاً. بهره بردن از اشعار شاعران پُرآوازه فارسی‌زبان، عشق او را به ادبیات فارسی نشان می‌دهد. او بلندگویی به‌دست گرفته است و از طریق آن دارد ابعاد مختلفی از فرهنگش را به جهانیان می‌شناساند و در این بین، ادبیات یکی از آن‌هاست. او وقتی از اشعار مولانا بهره می‌برد، نشان می‌دهد که به ادبیات کلاسیک اهمیت می‌دهد. با آن به کارش غنا می‌بخشد و خواننده‌گان خود را با مولانا آشنا می‌کند و این کار بزرگی است. همین اشاره به شعر فروغ و ویلیام بلیک را در نظر بگیرید، او به گونه‌ی بین شعر این دو شاعر پیوند برقرار می‌کند، یکی از شرق و یکی از غرب، کاملاً هدفمند و از روی آگاهی انجام می‌دهد. در شعر

ویلیام بلیک این تپه‌ها هستند که آواز و خنده‌های کودکان در حال بازی را منعکس و پژواک می‌کنند. در شعر فروغ هم یک پری غمگین وجود دارد که دیده می‌شود. خالد حسینی

می‌خواهد به تناقضات بپردازد، اعم از تناقض‌های درونی انسان‌ها و تناقض‌هایی که از بیرون به آن‌ها تحمیل می‌شود. یکی از موقعیت‌های تأثیرگذار رمان «او کوه‌ها طنین انداختند»، لحظه جدایی عبدالله... از خواهرش پری است؛ به نوعی الگوی این رمان روایت هجرانی، فراق و جدا افتادن آدم‌ها از یکدیگر است. نظر شما چیست؟ - بله واقعاً یکی از تأثیرگذارترین قسمت کتاب، جدایی این خواهر و برادر است. اما این جدا افتادن و هجران، نمادی از جدا افتادن انسان‌ها از یکدیگر است. این فراق در جاهای دیگر داستان هم رخ می‌دهد و برای دیگر شخصیت‌های داستان نیز پیش می‌آید، گاهی فیزیکی، گاهی روحی و هر کدام شکل خود را دارند. انسان‌ها در کنار هم هستند، ولی از هم جدایند. انسان این قرن گویی بی‌تحمل شده است، حتا تحمل خودش را هم ندارد و دست به خودکشی می‌زند. این غوغای درونی در تمام انسان‌ها حاضر است، حالا کمتر یا بیشتر.

به‌رغم این‌که همهٔ سال‌های روایت رمان «او کوه‌ها طنین انداختند» در دوران استبداد، اشغال و جنگ داخلی گذشته است، یعنی از ۱۹۵۲ تا اواخر قرن بیستم؛ اما می‌بینم نویسنده در این رمان کمتر به جنگ پرداخته است، بیشتر درگیر جهان شخصی شخصیت‌هایش است. نظر شما چیست؟

- خالد حسینی از انسان‌هایی سخن می‌گوید که خودشان هم خودشان را نمی‌شناسند و نمی‌دانند از زنده‌گی چه می‌خواهند و به دنبال چیستند. سر درگم میان تردی‌ها باقی مانده‌اند. دیگر نمی‌دانند درست و غلط کدام است. گاهی کاری در عین حال که غلط است، به نظرشان می‌رسد که درست هم است، اما آیا ممکن است... در این رمان خالد حسینی به طور وسیع به تناقض‌های درونی انسان‌ها می‌پردازد و از احساس‌های دوگانه و حتا چندگانه و انسان‌هایی می‌گوید که در نهایت به اصل درونی و واقعیت زنده‌گی خودشان بازمی‌گردند. آن‌ها این تناقض‌ها را می‌بینند و بر آن آگاهند اما کاری از دست‌شان بر نمی‌آید؛ نمونهٔ آن، ادریس و عادل هستند. این کتاب می‌گوید که آدم‌ها خوب یا بد مطلق نیستند و این از همان چندگانه‌گی وجود انسان ریشه می‌گیرد. همهٔ انسان‌ها خوبی‌ها، بدی‌ها، پستی‌ها و زیبایی‌های خود را دارند. ببینید، رمان خالد حسینی از ادبیات جنگ نیست. یا به بیان دیگر، یک رمان جنگی نیست. او راوی اتفاقات جامعه است، بُعد اجتماعی آن برجسته‌تر از دیگر ابعاد آن است. نویسنده اگر می‌خواست، اسلحه دست قهرمانانش می‌داد و به جنگ می‌فرستاد. اما او به زنده‌گی،

حوادث، درون انسان‌ها و روابط انسانی می‌پردازد و از آن‌ها می‌گوید. شرح می‌دهد که چه‌گونه رفتارهای انسان‌ها می‌تواند حتا زنده‌گی نسل‌های بعد را هم تحت‌الشعاع خود قرار دهد، یعنی همان صدایی که کوه‌ها آن را منعکس می‌کنند. در ادبیات داستانی و رمان، به زمان و مکان پرداخته می‌شود و این به رمان هویت می‌دهد. خواننده باید بداند داستان در کجا و در چه زمان رخ داده است. خالد حسینی هم داستانش را در بستر دوران جنگ و درگیری‌های داخلی افغانستان ترسیم می‌کند. او از پیامدهایی که این حوادث بر زنده‌گی مردم افغانستان داشته حرف می‌زند. این فضا‌سازی اوست. بله درست است که جهان شخصی شخصیت‌هایش برجسته است؛ اما با این شخصیت‌سازی و فضا و مکانی که طرح می‌کند، به داستانش شکل می‌دهد. هدفش همین است. در حوزهٔ ریالیسم نویسنده شخصیت خلق می‌کند و از طریق آن‌ها به واقعیت جامعه می‌پردازد.

برخی نویسنده‌گان افغانستان، او را نویسندهٔ افغانستانی نمی‌دانند؛ از جمله رهنورد زریاب معتقد است که خالد حسینی در روایت‌هایش باب میل مخاطب‌های امریکایی رفتار می‌کند. آیا می‌توان این را پذیرفت که او راوی صادق مردم افغانستان نیست؟

- نه، از نظر من چنین نیست. من او را راوی صادق مردم افغانستان می‌بینم. اما بله، به سلیقهٔ مخاطب‌های غربی نیز توجه زیادی دارد. او خودش به همان اندازه که شرقی است، غربی هم است. در آن‌جا بزرگ شده و تحصیل کرده، سلیقهٔ خودش هم است. با این همه، بخش عمده‌ی هم از مخاطب‌هایش، مردم دنیای مرفه هستند. باید چیزی هم برای آن‌ها داشته باشد. و این تلفیق کارش را پربار می‌سازد، و من مشکلی در آن نمی‌بینم. روی سخن او مردم دنیاست. اتفاقاً به عقیدهٔ من، او از مولفه‌های فرهنگی و دینی زیادی در این کتاب بهره برده است؛ چیزهایی که برای ما که فرهنگی نزدیک به آن‌ها داریم، کاملاً ملموس و عینی است. ولی برای آن مترجم و خواننده مثلاً آلمانی‌زبان مثل این است که بخواند برایش از طعم و غذایی حرف بزنند که او خودش نخورده است. ولی ما این غذا را خورده‌ایم.

در این رمان، شخصیت‌های زن به اندازهٔ شخصیت‌های مرد دیده می‌شوند، در حالی که نه تنها در افغانستان بلکه در بسیاری از کشورهای شرق، این موضوع هنوز جا نیفتاده است و به‌نوعی زن‌ها در سایه هستند. آیا این مسأله در رمان برای شما باورپذیر بود؟

- درست است که زن‌ها در سایه‌اند ولی هستند، موجودیت

دارند. نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. به همین نسبت، این توازن در رمان هم باید برقرار باشد. از طرفی هم، به عقیدهٔ من در سایه بودن به معنای تأثیرگذار بودن نیست. من در همین ایران، خصوصاً در خانواده‌های سنتی، زنان زیادی را می‌بینم که در سایه‌اند،

پشت پرده‌اند ولی قدرت دارند، نافذ هستند؛ اما نفوذ و قدرت آن‌ها علنی نیست، تو نمی‌بینی ولی هست، آهسته و پیوسته، ظریف و لطیف مثل آب که به همه جا نفوذ می‌کند. این نفوذگری در بستر زمان رخ می‌دهد. در حالی که در این رمان زنان به قول شما دیده می‌شوند، اما چندان قوی نیستند. تنها زنی که سنت‌شکنی می‌کند و سرکشی و نافرمانی همان نیلاست که شاعر است. او با فرهنگ یک مادر فرانسوی بزرگ شده و پدری دارد که همنشین شاه است. نیلا از مردم عادی افغانستان نیست بلکه از طبقهٔ ممتاز آن‌جاست. به عقیدهٔ من هر دو حالتش را می‌توان در این رمان دید. بله زن‌ها دیده می‌شوند چون هستند؛ اما برخی قدرتمند و برخی ضعیف. همه نوعش وجود دارد. این هم از قدرت واقعیت‌نگاری نویسنده است.

در ترجمهٔ این اثر با دشواری خاصی همراه بودید، چه مشی‌ی را در ترجمهٔ رمان دنبال کردید؟

- در ترجمهٔ رمان با مشکل خاصی روبه‌رو نبودم. فقط این‌که قلم و ادبیات خالد حسینی، سبک خاص خودش را دارد. نمی‌شود که همهٔ نویسنده‌گان را مثل هم ترجمه کرد. پیدا کردن سبک و رعایت آن، به ترجمهٔ غنای ویژه می‌بخشد و قدرت مترجم را می‌رساند. عنوان کتاب چالش‌هایی برایم به دنبال داشت. در موردش زیاد فکر کردم و مشورت‌هایی با دوستان و افراد صاحب‌نظر انجام دادم و در نهایت تصمیم خودم را گرفتم. همان‌طور که می‌دانید عنوان آن برگرفته از شعر ویلیام بلیک شاعر انگلیسی است، پس به قول ما با مسماست. این میل و سلیقهٔ نویسنده بود. من امانت‌داری بودم که باید پیام را بی‌کم‌وکاست منتقل می‌کردم. به همین دلیل نمی‌خواستم تغییری در آن ایجاد کنم. حتا گشتم تا ببینم این بیت شعر ویلیام بلیک به فارسی چه‌گونه ترجمه شده تا آن را عیناً برگزینم. حس، افکار و اهداف نویسنده در این عنوان وجود دارد. انتخاب آن از طرف نویسنده، تصادفی یا بی‌منظور نبوده و دایرهٔ وسیعی از مفاهیم را پوشش می‌دهد. وقتی شعر ویلیام بلیک و چند مصاحبه از خالد حسینی را خواندم، دریافتیم این‌جا فقط انعکس دادن، پژواک، و اکو مطرح است. صدایی به کوه می‌خورد و کوه آن را پژواک می‌کند، پس این صدا از بیرون است. به عقیدهٔ من، این‌جا بانگ زدن و آواز برآوردن نایدا منظور نیست، چون صدا از درون نمی‌آید. شعر ویلیام بلیک کاملاً می‌گوید که انعکاس مطرح است. این صدا از درون کوه نبود بلکه بازگشت صدا بود. بازگشت اثر اعمال خودمان به خودمان، حتی به نظرم می‌آید اشارهٔ تلویحی به این نکته دارد که هر چه بکاری، همان درو می‌کنی. نویسنده در این رمان از قلم سنگینی بهره می‌برد. ترجمهٔ آن کار راحتی نبود. گاهی اوقات می‌دیدم پنج ساعت گذشت، ولی من در همان پاراگراف هستم. نمی‌خواستم دقت را فدای سرعت کنم.

معادل‌یابی و جست‌وجو در انترنِت به واسطهٔ اسامی خاصی که نویسنده در سطح وسیع از آن استفاده کرده است، وقت زیادی از مرا گرفت. این اسامی خاص، چنان بخش مهمی از کار را تشکیل می‌دادند که به عقیدهٔ من، حذف آن‌ها لطمهٔ بزرگی به کتاب می‌زد و کم‌لطفی در حق نویسنده بود. چون او خودش این‌طور خواسته و صلاح را در این دانسته، من نباید اعمال سلیقه می‌کردم و کتاب را از هویت اصلی خود می‌انداختم و در هیچ کجا این کار را نکردم. کوشیدم امانت‌دار خوبی برای خالد حسینی باشم. البته این‌ها همه نظر شخصی من هستند و من فقط از سلیقهٔ خودم حرف می‌زنم، شاید کسی طور دیگری ببینند، این طبیعی است. شما در مقدمهٔ کتاب می‌گویید نویسنده در این رمان امیدوار است. اما اندوه بی‌پایان، رنج و مصیبتی که دیگر تمام نمی‌شود، آیا جایی برای امید می‌گذارد؟

- بله امیدوار است. بدون امید که زنده‌گی دوام نمی‌یابد. همیشه پایان شب سیاه، سفید است. شخصیت‌های داستان در پایان به افق تازه‌یی می‌رسند و راه روشنی مقابل‌شان باز می‌شود، فقط با مرگ است که همه‌چیز تمام می‌شود. البته نومیدی و یأس، بخشی از واقعیات زنده‌گی است. نمی‌شود که همیشه امید باشد. اما آن‌چه در نهایت قدرت می‌گیرد و رقیب خود را پس می‌زند، امید و دورنمای روشن است. بله در این رمان، من امید و روشنی کم ندیدم.

برای شخصیت‌هایش در اوج نومیدی وقتی به درهای بسته می‌رسند، می‌بینم که جایش دروازه باز می‌شود. بارزترین نمونهٔ آن، تالیا و روشنا هستند که در اوج ضعف و ناتوانی و بدبختی‌های زنده‌گی، نشیب‌های زنده‌گی را پشت سر می‌گذارند و قدم در فرازهای آن می‌گذارند.



جست و جوی ملت سازی در افغانستان

ناجیه نوری

در دو قرن گذشته، دولت‌ها با سرکوب اقوام و نادیده گرفتن حقوق شهروندی مردم افغانستان، سد راه ملت‌شدن گردیده‌اند. شماری از تاریخ‌دانان، فعالان جامعه مدنی و استادان دانشگاه با ابراز این مطلب می‌گویند، رهبران سیاسی و دولت‌های گذشته افغانستان همواره برای تأمین منافع خودشان سد راه تشکیل یک ملت واحد گردیده‌اند. به باور آنان، تا زمانی که برتری‌جویی یک قوم نسبت به سایر اقوام پایان نیابد و برابری میان اقوام تأمین نشود، مبدل‌شدن افغانستان به یک ملت واحد غیرممکن است. ولی شماری از آگاهان سیاسی می‌گویند، ما پرچم واحد، قانون اساسی مشترک، سرود ملی واحد و دولت واحد داریم؛ پس ما یک ملت استیم. عزیز رفیعی رییس جامعه افغانستان می‌گوید: «ملت شدن بحث میخانیک نیست که جمعیتی را گرد هم بیاورید و بگوید که شما یک ملت هستید، بل برای ملت‌شدن باید به بعضی ارزش‌ها و معیارها باور داشت.» او گفت: «در افغانستان بحث عدالت قومی بر عدالت اجتماعی ارجحیت دارد و بنابر همین مساله رهبران سیاسی

او افزود، دوم تا زمانی که معیارهایی برای وحدت ملی یا خطوط اساسی منافع ملی در افغانستان تعریف نشود، ناممکن است که ما یک ملت شویم. وی گفت، سوم اینکه ارزش‌ها و شاخص‌ها باید برای وحدت ملی و هویت ملی تعریف شود، یعنی وحدت ملی قبول زبان من است یا زبان شما یا اینکه آیا در کلمه دانشگاه و پوهنتون وحدت ملی نهفته است؟ او افزود: «ولایاتی که نفوس بیشتر دارند، ولسوالی کمتری دارند و بر عکس ولایاتی که نفوس کمتر دارند، ولسوالی بیشتری دارند. طور مثال ولایت پکتیکا کمتر از صد هزار جمعیت دارد، ولی ۱۹ ولسوالی دارد، اما ولسوالی رستاخ سه صد هزار نفوس دارد، یعنی از یک جمعیت صد هزار نفری ۱۹ نماینده و از یک جمعیت سه صد هزار نفری فقط یک نماینده وارد پارلمان می‌شود، بنابراین با چنین سیستم بسیار ظالمانه نمی‌توان ملت شد.» در این حال، دکتر محمد داوود راوش جامعه‌شناس و استاد دانشگاه کابل می‌گوید، ما با داشتن پرچم مشترک، پول واحد، قانون اساسی و دولت، نمی‌توانیم یک ملت باشیم؛ بل برای ملت‌شدن باید گام‌های استواری برداشته شود.

مردم افغانستان مقصر نیست؛ بل این رهبران سیاسی و دولت‌های افغانستان بوده‌اند که برای تأمین منافع خودشان سد راه ملت‌شدن گردیده‌اند. به گفته او، دولت‌ها با ایجاد عدالت اجتماعی اقوام را کنار هم قرار می‌دهند و به سمت ملت شدن سوق می‌دهند، بنابراین نقش دولت در راستای ملت شدن بسیار ضروری است. وی افزود، ولی دولت‌ها در افغانستان برای حفظ قدرت و منافع خودشان با ترفندها و سیاست‌های عوام‌فریبانه مردم را در دشمنی علیه یکدیگر قرار می‌دهند که با چنین سیاستی هیچ‌گاه ملت تشکیل نخواهد شد. اما یونس فکور آگاه مسایل سیاسی به این باور است که تعریف ملت در افغانستان در طول زمان یا تاریخ «ابدیت» یا نو شده است. او می‌گوید: «چون ما برای ملت‌شدن دنبال تعریف کلی آن استیم، یعنی یک ملت واحد، باید به یک زبان صحبت کند، شراکت خونی داشته باشند و یک دولت واحد داشته باشند.» وی تصریح کرد: «تعریف جدید ملت را که پرچم مشترک، سرود ملی، قانون اساسی و یک دولت واحد را شامل



افغانستان بیشتر از این که رهبران سیاسی باشند، رهبران قومی هستند.» وی تأکید کرد، حتا رهبران جهادی افغانستان که با تفکر بسیار بلند اسلامی وارد میدان شده بودند، در آخرین لحظات زمانی که منافع ملی مطرح می‌شد، به رهبران قومی مبدل می‌شدند. به باور رفیعی، زبان از بطن قوم می‌گذرد و چندین قوم به یک زبان تکلم می‌کنند، اما حتا زبان مشترک هم نمی‌تواند هویت مشترک شود. وی گفت: «آسیب‌پذیری اجتماعی در افغانستان بسیار بالا است، به این معنا که اگر قوم نداشته باشید، نه در سیاست، نه در اقتصاد و نه در اجتماع می‌توانید حضور داشته باشید؛ بنابراین برای ایجاد اعتماد نیاز به لاک قومی دارید.» وی افزود: «پشتون‌ها ادعا دارند که ۶۵ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، تاجیک‌ها می‌گویند ۴۵ درصد هستند، هزارها می‌گویند ۲۵ درصد هستند، ازبیک‌ها می‌گویند ۲۰ درصد هستیم و اگر سایر اقوام را هم در نظر بگیریم حدود ۱۹۹ درصد می‌شود، بنابراین کشوری که حدود ۹۹ درصد هویت آن کاذب باشد، چطور می‌تواند به وحدت ملی دست پیدا کند.» رفیعی اضافه کرد: «بعضی از اقوام خود را نسبت به سایر اقوام برتر می‌دانند و تا زمانی که این برتری‌جویی‌ها به مساوات اجتماعی مبدل نشود، ملت شدن غیر ممکن است.» به گفته رفیعی، برای ملت‌شدن چند حرکت اساسی لازم است: اول اینکه رییس‌جمهور افغانستان هر کسی که باشد باید در اولویت کاری خود احصایه نفوس را قرار بدهد و من این موضوع را قبلاً نیز با حامد کرزی در میان گذاشته بودم.

وی اضافه کرد، ایجاد باور ملی و اعتماد ملی که مقوله برای ملت‌شدن است از طریق یک دولت پاسخگو و مسوول به وجود می‌آید؛ اما زمانی ما به یک دولت پاسخگو و مسوول دست پیدا خواهیم کرد که احزاب سیاسی مسوول و پاسخگو داشته باشیم. به باور این استاد دانشگاه، افغانستان برای ملت‌شدن باید مراحل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را طی کند. او گفت: «در نظام سرمایه‌داری ملت براساس پول واحد، سرزمین واحد و ارزش‌های اقتصادی و منافع ملی تعریف می‌شود، اما تناقضاتی که در طول تاریخ در افغانستان شکل گرفته، مانع ملت‌شدن گردیده است.» او گفت: هم اکنون برای رشد یک ولایت توجه بیشتر می‌شود، اما برای ولایت دیگر کمتر، بنابراین چنین سیستم متناقض سبب کندشدن پروسه ملت‌شدن در افغانستان می‌گردد. صاحب نظر مرادی تاریخ‌دان می‌گوید: «در افغانستان طی یک یا دو قرن اخیر، دولتی وجود نداشته که بخواهد اقوام و گروه‌های مختلفی این سرزمین را با تأمین و تضمین حقوق شهروندی‌شان به سمت همگرایی دعوت کند.» او گفت: «ملت با شعار یا زور، توهین و تحقیر ساخته نمی‌شود، بل با ایجاد اعتماد و حقوق مساوی همه شهروندان شکل می‌گیرد، اما متأسفانه در طی دو قرن گذشته، دولت‌ها با سرکوب اقوام و نادیده گرفتن حق شهروندی، سد راه ملت‌شدن گردیده‌اند.» مرادی تصریح کرد، کارکردهای دولت‌های گذشته سبب شده تا مردم در بحران اعتماد زنده‌گی کنند و بحران اعتماد سبب شده تا مردم نتوانند همدیگرپذیر باشند و به یک ملت واحد مبدل شوند. این تاریخ‌دان تأکید کرد، هیچ کشوری در ملت نشدن

امریکا با ما بازی...

به مثالی درباره حملات نیروهای امریکا به افغانستان گفت: به‌تازگی این نیروها خانه‌هایی دور افتاده را بمباران کردند تا افرادی را که مشکوک به عضویت در طالبان بودند، دستگیر کنند اما در جریان این حمله پسر دو ساله‌ای کشته و مادرش به شدت مجروح شد.

وی اظهار داشت: وقتی آقای اوباما به من می‌نویسد که نیروهای ناتو به خانه‌ها حمله نمی‌کنند، باید ثابت شود چون تا کنون این ادعا به اثبات نرسیده است.

رییس‌جمهور افغانستان که برای درخواست کمک نظامی به هند سفر هند کرده، روز گذشته نسبت به پاسخ هند به درخواستش ابراز خرسندی کرد و گفت پاسخ هند به تقاضای افغانستان بسیار بهتر از آنچه تصور می‌شد، بود.

وی افزود: روز گذشته (جمعه) در گفت‌وگویی که با مأموران سینگ نخست‌وزیر هند داشتم موضوعات مهمی از جمله تأمین تجهیزات نظامی از سوی هند، شرایط افغانستان در امضای قرارداد امنیتی دو جانبه با امریکا و روند صلح را در میان گذاشتم. کرزی درباره قرارداد دو جانبه با امریکا در آستانه خروج نیروهای ناتو از افغانستان گفت: خوشحالم که هند درک می‌کند که چرا افغانستان نسبت به امضای این قرارداد بسیار محتاط است.

رییس‌جمهوری افغانستان درباره نقش پاکستان در روند صلح گفت: نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان قول همکاری داده و من به صداقت وی اطمینان دارم.

کرزی ضمن ابراز خرسندی از گفت‌وگوهایی که درباره آموزش و تأمین تجهیزات نظامی داشته، افزود: این گفت‌وگوها بسیار سازنده بود و نتایج رضایتبخشی برای افغانستان داشت.

وی در پاسخ به اینکه آیا دهلی نو نسبت به تأمین تجهیزات نظامی برای پاکستان اکره دارد، اظهار داشت: هند با این موضوع بسیار معقولانه برخورد کرده و در عین حال از بار این مسوولیت شانه خالی نکرده است.

رییس‌جمهوری افغانستان تصریح کرد: هند می‌خواهد به ما کمک کند و منطقه‌ای بدون تنش داشته باشد و این دقیقاً خواسته افغانستان هم هست و من از دیدار با مقام‌های هند بسیار راضی هستم.

وی گفت: افغانستان به سخت‌افزارهای نظامی نیاز دارد و هند و کشورهای دیگر قرار است برای تأمین آنها به ما کمک کنند. کرزی ادامه داد: دولت افغانستان تا کنون دیدگاهی محتاطانه نسبت به منابع معدنی خود داشته تا مطمئن شود که آنها به منابع مشکل ساز تبدیل نمی‌شوند.

رییس‌جمهوری افغانستان همچنین بندر چابهار را بندر مهمی دانست که می‌تواند میان هند، ایران و افغانستان ارتباط برقرار کند. قرارداد حمل و نقل میان ایران افغانستان و هند در جریان سفر سلمان خورشید، وزیر امور خارجه هند در حمل ۹۲ به تهران به بحث گذاشته شده و قرار است که این قرارداد بزودی بین نمایندگان سه کشور امضا شود.

سوء استفاده جنسی از کودکان...

در سرک‌ها مصروف شوند. بعضی از این‌ها تا ناوقت‌های شب مصروف کاراند.

این گزارش براساس مصاحبه با ۴۱۶۶ کودک در ۲۷ ولایت افغانستان تهیه شده است. براساس این گزارش، ۲۰ درصد کودکان از تعلیم و تربیه محروم هستند. ۲۴ درصد کودکان گفته‌اند که همه روز مورد تحقیر و اهانت قرار می‌گیرند. دوازده درصد این کودکان گفته‌اند که به دلیل دختر بودن در خانواده با تبعیض روبرو اند. براساس این گزارش، کودکان در خانواده، مکتب و جامعه مورد انواع خشونت‌های جسمی، زبانی و روانی قرار می‌گیرند.

افزایش تجاوز جنسی بر کودکان مسوولان کمیسیون حقوق بشر گفتند که حدود ۴۰۰ مورد تجاوز جنسی بر کودکان در سراسر افغانستان در سال جاری خورشیدی ثبت شده که ۲۸ درصد افزایش را نسبت به سال قبل نشان می‌دهد.

این کمیسیون گفت سوء استفاده جنسی از کودکان تکان دهنده است و بیشتر کودکان دختر مورد تجاوز قرار می‌گیرند. براساس این گزارش آمار دقیق تجاوز بر کودکان وجود ندارد، زیرا مردم کوشش می‌کنند چنین مواردی را پنهان کنند.

نجیب الله ببرکزی، مسوول بخش کودکان در کمیسیون حقوق بشر در این مورد گفت: «یکی از عوامل افزایش تجاوز، محاکمه نشدن افرادی است که بر کودکان تجاوز می‌کنند. نگرانی کمیسیون در مورد این مسایل بود که ما تحقیق ملی بچه بازی را راه اندازی کردیم.»

سیما سمر گفت با آن که برخی از عاملان تجاوز بر کودکان بازداشت و محاکمه می‌شوند اما بیشتر آنها فرار می‌کنند: «اکثراً کسانی که تجاوز جنسی می‌کنند، به مناطق تحت تسلط طالبان می‌روند. این تنها راه فرار نیست، بلکه فساد در اداره‌های دولتی نیز سبب می‌شود که عاملان تجاوز مجازات نشوند.»

کمیسیون حقوق بشر تأکید کرده است که برای بهبود وضعیت کودکان باید برنامه‌های آگاهی دهی از طریق رسانه‌ها بیشتر شود تا خانواده‌ها مسوولیت‌شان را در قبال کودکان انجام دهند.

هرات زندگی می‌کند و روز جمعه وقتی که در برابر تقاضای شوهر معتادش برای فروش زیورآلات خود مخالفت کرد، با خشونت او مواجه شد.

آن گونه که مقام‌های ولایت هرات گفته‌اند، این مرد با چاقو به همسرش حمله کرد و بینی و لیش را برید. سمیع وفا، سخنگوی والی هرات گفته که چند ضربه چاقو به سر ستاره هم اصابت کرده است.

آمار ثبت خشونت با زنان در سال‌های اخیر در مناطق مختلف افغانستان و به ویژه هرات افزایش یافته و این موضوع نگرانی نهادهای حقوق بشری، مدنی و اجتماعی را برانگیخته است.

اعتراضی میدان مرکزی شهر هرات می‌خواهند توجه خانواده‌ها و شخصیت‌های تأثیرگذار در جامعه را به ابعاد خشونت با زنان جلب کنند.

رییس دادستانی، رییس امور زنان و رییس دفتر حقوق بشر هرات و شمار قابل توجهی از فعالان حقوق زن، از جمله کسانی بودند که در این همایش حضور دارند.

شرکت‌کنندگان شعارهایی در محکومیت خشونت با زنان با خود حمل می‌کردند و بیشتر آنها پارچه سبزرنگی را به عنوان نماد همدردی با ستاره به گردن خود بسته بودند.

ستاره زن سی ساله‌ای است که در شهرک انجیل



سومین نشست مشورتی آجندای ملی - پنجشیر

بخش نخست

یادداشت: سومین نشست مشورتی طرح آجندای ملی، اخیراً با حضور نخبه‌گان سیاسی، فرهنگیان، استادان و دانشجویان در ولایت پنجشیر برگزار گردید.

در این نشست، اشتراک‌کننده‌گان پیشنهادها و دیدگاه‌های‌شان را در خصوص طرح آجندای ملی ارایه کردند و هم‌چنان حمایت‌شان را از این طرح ابراز داشتند. طرح آجندای ملی از سوی احمد ولی مسعود رییس عمومی بنیاد شهید مسعود ارایه شده است.

در این طرح، ضمن ارایه راه‌کار خروج از بن‌بست کنونی، در خصوص تأمین صلح پایدار در افغانستان نیز راه‌کارهایی ارایه شده است.

طرح آجندای ملی، با استقبال نهادهای خارجی از جمله سازمان ملل متحد و نهادهای داخلی کشور رو برو شده است.

پس از این، گفت‌وگوهای سومین نشست مشورتی طرح آجندای ملی را که در ولایت پنجشیر برگزار شده بود، به ترتیب در روزنامه به نشر می‌سپاریم.

آغاز برنامه:

نظری پریانی:

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

حاضران گرامی، جناب محترم والی صاحب ولایت پنجشیر، جناب احمدولی مسعود، محاسن سفیدان، خواهران و برادرانی که تشریف دارید، سلام خدمت تان!

به نمایندگی از همه شما، حضور احمد ولی مسعود رییس عمومی بنیاد شهید احمد شاه مسعود (رح) را به ولایت پنجشیر خیر مقدم می‌گویم.

پیش از این که محتوا و هدف این برنامه را خدمت شما به معرفی بگیریم؛ برنامه را با تلاوت آیاتی از قرآن پاک آغاز می‌کنیم.

بعد از تلاوت آیات قرآن کریم توسط قاری رحم خدا برنامه رسماً آغاز یافت.

نظری پریانی:

هدف از تشریف آوری کاروان آجندای ملی به ولایت پنجشیر آن گونه‌یی که می‌دانید موضوع مهم و خاص برای افغانستان است.

وضعیت افغانستان را همه شما درک می‌کنید و از چگونگی آن مطالعه دارید؛ لازم است تا سلسله برنامه‌های ملی و همه پذیر راه‌اندازی شود تا افغانستان به یک ورطه خطرناک گذار نکند؛ زیرا ما سال‌های دشوار و پر از بیم و امید را در پیش داریم.

از مدتی بدین سو آقای احمد ولی مسعود طرحی را زیر نام آجندای ملی ارایه کرده اند، این طرح خوشبختانه بعد از مدتی که مطرح شد حتماً مورد توجه سازمان ملل متحد قرار گرفت.

طرح آجندای ملی دارای محورهای مشخص می‌باشد که جناب احمد ولی مسعود در این مورد صحبت خواهند کرد؛ اما آنچه برای ما به عنوان اهمیت این طرح مطرح است این است که این طرح به عنوان برنامه ملی و همه پذیر توانسته با رویکردهای جدید و برنامه‌های تازه توجه همه نهادهای



سیاسی، سیاست‌مداران، تحلیل‌گران، استادان دانشگاه، جوانان خیره و همه طیف‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های فعال جامعه را به خود معطوف دارد.

امروزه در هیچ محفل و سازمان سیاسی نیست که حرفی از آجندای ملی و برنامه ملی مطرح نگردد، حتا نماینده سازمان ملل متحد در کابل گفت، سزاوار است که کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان به جایی این که همه تلاش‌ها را بر محور شخصی و شخصیت خودشان متمرکز کنند، باید از آجندای ملی حمایت کنند.

این را هم می‌دانیم که نقش پنجشیر و شخصیت‌های پنجشیر به ویژه قهرمان ملی افغانستان شهید احمد شاه مسعود در تحولات سه دهه اخیر بسیار پررنگ بوده است و حالا که بازهم افغانستان می‌رود به طرف یک دهه تحول، خوب است که بنیان‌گذار یک نسخه تازه برای افغانستان و هدایت دهنده یک راه نو برای افغانستان و جامعه جهانی در قبال افغانستان باشد.

پیش از این که این کاروان به پنجشیر بیاید و این برنامه را مطرح سازد، صحبت‌های بسیار زیادی با گروه‌ها، طیف‌ها و افکار مختلف در کابل و هرات صورت گرفت.

شماری زیادی از طیف‌های گوناگون در بنیاد شهید احمد شاه مسعود و خانه احمد ولی مسعود روی این طرح صحبت کرده اند و سلسله برنامه‌ها و دیدگاه‌های جدید در این زمینه ارایه شده است.

کاروان آجندای ملی به هرات هم رفتند و در دو کنفرانس

بزرگ یکی مطالعات منطقه‌یی هرات - که از طرف هراتی‌ها با حضور شخصیت‌های داخلی و خارجی برگزار شده بود و آقای احمد ولی مسعود در آنجا یکی از سخنران‌های اصلی برنامه بودند- طرح آجندای ملی در آنجا مطرح شد و مورد استقبال همه قرار گرفت و کنفرانس دیگری که از طرف بنیاد شهید احمدشاه مسعود زیر نام نشست مشورتی آجندای ملی برگزار گردیده بود، نخبه‌گان حوزه جنوب غرب در این نشست حضور داشتند؛ طرح آجندای ملی مورد گفت‌وگوی دانشگاهیان و نخبه‌گان صورت گرفت و این کاروان با اعلان حمایت توسط حوزه جنوب غرب با دست پر برگشتند.

طرح آجندای ملی بیشتر یک گفت‌وگو بین نخبه‌گان است؛ نخبه‌گان و آگاهانی که می‌دانند افغانستان در چه شرایطی قرار دارد و برای فردای این کشور چه کاری باید صورت گیرد.

این بار کاروان آجندای ملی به پنجشیر رسیده است که در این زمینه جناب احمد ولی مسعود بعد از سخنان والی صاحب توضیحاتی خواهند داد و بعد از آن این موضوع حواله می‌شود برای شما که می‌توانید سوالات، نظریات و افکار تان را در پیوند به طرح آجندای ملی مطرح کنید و آقای احمد ولی مسعود هم در خدمت تان خواهند بود و با حوصله‌مندی تمام به نظریات و سوالات شما پاسخ خواهند داد.

آرزو داریم این محفل با گرمی و صمیمیت خودش به پایان برسد.

حال از جناب والی صاحب محترم ولایت پنجشیر آقای عبدالرحمن کبیری خواهشمند هستیم تا از سخنان خود همه را مستفید سازد.

مولانا عبدالرحمن کبیری / والی پنجشیر:

دوستان محترم السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

اول‌تر از همه درود بر روان پاک محمد (ص) سردار دو کونین و درود بر روان پاک شهدای اسلام خصوصاً بر روان پاک شهدای جهاد و انقلاب اسلامی افغانستان؛ بویژه شهدای این مرز و بوم در رأس قهرمان ملی افغانستان شهید احمدشاه مسعود.

تشریف آوری رییس بنیاد شهید احمدشاه مسعود آقای احمدولی مسعود را با جمعی از دوستان‌شان، خیر مقدم می‌گویم.

خوشبخت هستیم که امروز در محفلی اشتراک می‌کنم که نشست مشورتی آجندای ملی نام دارد، البته در این پیوند من بیشتر صحبت نخواهم داشت به‌خاطری که در این جا طراح این طرح آقای احمد ولی مسعود حضور دارند و صحبت خواهند داشت.

من چند موضوع را بسیار کوتاه به شکل مقدمه می‌خواهم بیان کنم و بعد سراپا گوش هستم به این نشست مشورتی. دوستان شما بهتر آگاه هستید، بعد از این که افغانستان یک

جنگ نابرابر را در مقابل اجانب سپری کرد و بعداً به پیروزی نایل آمد؛ البته زمانی که مجاهدین به پیروزی رسیدند مردم توقع زیاد داشتند تا دیگر جنگ رخت خود را از افغانستان ببندد و صلح جاگزین آن شود؛ اما متأسفانه مشکلات داخلی و خودخواهی‌های شماری از کسانی که در داخل افغانستان بودند و مداخلات خارجی باعث شد که بعد از صلح دوباره

جنگ تشدید شود، مردم افغانستان به جایی این که راحت شوند و به کار و زنده گی خود برسند به هر گوشه‌یی سرگردان شدند.

در این میان شماری زیادی از مغزهای متفکر هم از کشور فراری شدند و رفتند.

بعد از این که مجاهدین دوباره دوره سیاه طالبان را پشت سرگذاشتند و دوباره داخل کابل شدند بازهم مردم تصور می‌کردند و امید داشتند تا مجاهدین برنامه‌هایی داشته باشند که مردم را به طرف صلح و پیشرفت رهنمون شوند؛ اما متأسفانه این روند هم با مشکلاتی روبرو شد و در این دوره شرایط به دست مجاهدین نماند بلکه کسان دیگری در این روند با برنامه‌های شخصی و قومی داخل شدند و برنامه‌های خود را مطرح کردند.



مردم افغانستان در دهه تحول هم توقع این را داشتند و دارند تا کسی پیدا شود که از آجنداهای شخصی، قومی و سمعی بگذرد و یک آجندا و برنامه ملی را مطرح کنند که این تصور و توقع شان از کس دیگری به جز از خانواده شهید احمد شاه مسعود نیست؛ زیرا چشم مردم از ابتدا هم به طرف خانواده قهرمان ملی بوده است و تا آخر هم چشم مردم امید به طرف همین خانواده خواهد بود.

من بسیار خرسند هستم که امروز برادر شهید احمد شاه مسعود آقای احمد ولی مسعود برنامه‌یی ملی را زیر نام آجندای ملی مطرح می‌کند و این آجندا هم خوشبختانه در شمار زیادی از محافل که مطرح شده است، مورد قبول و حمایت قرار گرفته است.

جایی خوشی است که ما در پنجشیر کسانی داریم که موضوعات ملی و مردمی را مطرح می‌کنند و هم‌چنان کسانی هم هستند که در این پیوند دیدگاه‌ها و نظریات خود را مطرح می‌سازند و به گفت‌وگو می‌نشینند تا آجندای ملی غنی و بارور شود.

بهرتر این است که موضوعات دیگر را از زبان احمدولی مسعود بشنویم و به امید روزی که آجندای ملی در سراسر افغانستان مورد قبول شود و زمینه تطبیق آن مساعد گردد و کسانی که در انتخابات پیش رو شرکت ورزیده اند از آجندای ملی به حیث یک راه‌کار استفاده ببرند.



خشم اشمایکل از عملکرد شیاطین سرخ

سنگربان سابق شیاطین سرخ به انتقاد از بازیکنان این تیم پرداخت. او گفت دیوید مویس باید چند بازیکن این تیم را اخراج کند!

منچستر یونایتد در فصل جاری لیگ برتر انگلیس ناامیدکننده ظاهر شده است و با ۲۲ امتیاز در رده نازل نهم جدول رده‌بندی قرار دارد.

پیتر اشمایکل، سنگربان سابق شیاطین سرخ به انتقاد از بازیکنان این تیم پرداخت و از سرمربی این تیم خواست تا به جای جذب بازیکن در اندیشه فروش چند بازیکن کنونی این تیم باشد.

اشمایکل در گفت‌وگویی که با روزنامه «دیلی میل» انگلیس داشت، گفت: بازیکن منچستر یونایتد باید بزرگ باشد. بازی برای تیم بزرگی همچون منچستر یونایتد برای هر بازیکنی افتخار است. کسی که پیراهن این تیم را پوشد، باید از جان مایه بگذارد. متأسفانه این تیم در فصل جدید در شرایط خوبی به سر نمی‌برد. پنج، شش بازیکن کنونی منچستر یونایتد در سطح این تیم نیستند و درک نمی‌کنند که برای چه تیم بزرگی بازی می‌کنند. در طول تاریخ بازیکنی را ندیده‌ایم که قدر بازی در اولدترافورد را نداند.

او افزود: منچستر ۵۶۰ میلیون هوادار دارد. یک

روسل: گوآردیولا بهترین مربی تاریخ بارسلونا است

هم در نوکمپ می‌ماند. رییس باشگاه بارسلونا در ادامه سخنان خود به ستایش از پپ گوآردیولا پرداخت و احتمال بازگشت او به نوکمپ را بعید ندانست. روسل گفت: گوآردیولا بهترین مربی تاریخ باشگاه بارسلونا است. غیر ممکن است کسی بتواند کارنامه درخشان او را در بارسلونا تکرار کند. بارسلونا خانه گوآردیولا است و در این باشگاه همواره به روی او باز است.

روسل درباره این سوال که چرا با وجود رهایی آبی‌دال حاضر نشد قرارداد او را تمدید کند، گفت: بعد از این که آبی‌دال به شرایط بازی برگشت با او هم چون یک بازیکن طبیعی رفتار کردیم. جدایی او فنی و حرفه‌ای بود. بایرن مونیخ در دور نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا در فصل قبل در هر دو بازی رفت و برگشت برابر بایرن مونیخ نامید کننده ظاهر شد و متحمل شکست سنگین هفت بر صفر شد؛ شکستی که باعث شد بسیاری از پایان سلطه بارسلونا و فوتبال اروپا سخن بگویند. روسل درباره این شکست سنگین گفت: یک تیم نمی‌تواند همواره پیروز شود. البته نباید فراموش کنیم که سه گل بایرن مونیخ درست بود و مسی هم غایب بود.

هم در نوکمپ می‌ماند. رییس باشگاه بارسلونا در ادامه سخنان خود به ستایش از پپ گوآردیولا پرداخت و احتمال بازگشت او به نوکمپ را بعید ندانست. روسل گفت: گوآردیولا بهترین مربی تاریخ باشگاه بارسلونا است. غیر ممکن است کسی بتواند کارنامه درخشان او را در بارسلونا تکرار کند. بارسلونا خانه گوآردیولا است و در این باشگاه همواره به روی او باز است.

روسل درباره این سوال که چرا با وجود رهایی آبی‌دال حاضر نشد قرارداد او را تمدید کند، گفت: بعد از این که آبی‌دال به شرایط بازی برگشت با او هم چون یک بازیکن طبیعی رفتار کردیم. جدایی او فنی و حرفه‌ای بود. بایرن مونیخ در دور نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا در فصل قبل در هر دو بازی رفت و برگشت برابر بایرن مونیخ نامید کننده ظاهر شد و متحمل شکست سنگین هفت بر صفر شد؛ شکستی که باعث شد بسیاری از پایان سلطه بارسلونا و فوتبال اروپا سخن بگویند. روسل درباره این شکست سنگین گفت: یک تیم نمی‌تواند همواره پیروز شود. البته نباید فراموش کنیم که سه گل بایرن مونیخ درست بود و مسی هم غایب بود.

روسل: گوآردیولا بهترین مربی تاریخ بارسلونا است

رییس باشگاه بارسلونا به ستایش از پپ گوآردیولا پرداخت و او را بهترین مربی تاریخ این باشگاه دانست. او همچنین مسی را شایسته «توپ طلای فوتبال جهان» در سال ۲۰۱۳ دانست

لیونل مسی روزهای خوبی را در جمع آبی - اناری‌ها سپری نمی‌کند. او در فصل جاری سه بار آسیب دید و همین هم شناس او را برای کسب توپ طلا در سال ۲۰۱۳ پایین آورده است. با این حال ساندرو روسل، رییس باشگاه بارسلونا همچنان معتقد است که مسی بهترین بازیکن فوتبال جهان است و باید توپ طلا سال ۲۰۱۳ به او برسد.

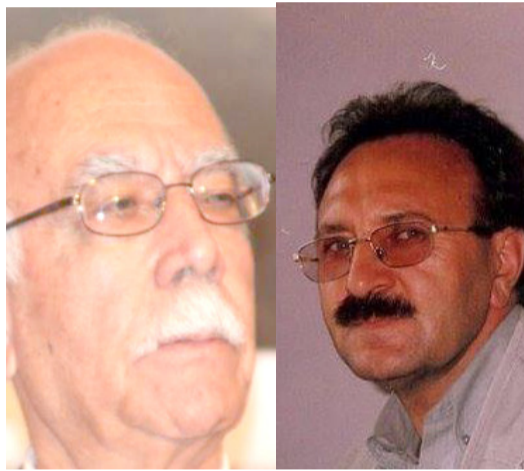
روسل در مجله «دوحه استادیوم پلاس» قطر گفت: مسی بازیکن تاریخ فوتبال جهان است. بدون شک او شایستگی کسب پنجمین توپ طلای فوتبال خود را دارد. اگر قرار باشد که این جایزه را با توجه به عملکرد بازیکنان در فصل اخیر به آنها بدهیم باید مسی را انتخاب کنیم. فصل گذشته عملکرد خوبی در ترکیب بارسلونا داشت. مسی چهار سال پیاپی است که این جایزه را به دست می‌آورد. او شایسته پنجمین توپ طلای خود است. مسی هنوز

Mandegar

په کرزي د امریکا او نړۍ باور ختم شوی دی

(زحمت ورکړل شو)

استاد بشر وایي، په ولسمشر کرزي د امریکا او نړۍ باور ختم شوی دی او خپله کرزي د دې تړون د موافقانو او مخالفانو کورنیو او



بهرنیو تر فشار لاندې دی.

د ده په وینا، ولسمشر هم له گاونډیو او سیمه ییزو هېوادونو سره د امنیتي تړون په اړه سلا کوي او هم پرې بې باوره دی که امریکا لاره شي دغه هېوادونه به په افغانستان کې لاسوهنه وکړي.

هغه زیاتوي، که ولسمشر دغه تړون لاسلیک نه کړي، راتلونکې ولسمشر به یې لاسلیک کړي او دا تړون به خامخا لاسلیک کېږي؛ نو په کار نه ده چې ولسمشر په کې خنډ راوړي.

په همدې حال کې د سیاسي چارو شنونکي سید مظفر دره صوفي مانډگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، د لویديځوالو ډېری سیاستونه د محاسبې او حساب و کتاب پر اساس دي، هره کرڼه او هره خبره چې کوي، په ډېر تامل سره ترسره کېږي.

د هغه په خبره، دا چې جنرال ډمپسي ویلي، له افغانستان د امریکایي او نړۍ والو ځواکونو په وتلو سره به سیمه د بې ثباتۍ لور ته لاړه شي دا څرگندونې په افغانستان کې د پاتې کېدو لپاره نه دي؛ بلکې دا څرگندونې یې د یوې محاسبې له مخې کړي دي او باید جدي ونیول شي.

هغه زیاتوي، دا چې ولسمشر کرزي له امریکا غواړي چې پرې فشار رانه وي او له هغه سره غیر دوستانه عمل ونه کړي، متناقضه خبره ده؛ ځکه دا پوښتنه د ولسمشر په اړه هم را پورته کېږي، چې د دې غوښتنې برعکس امریکا هم له کرزي غوښتنې لري، غواړي چې نوموړی له افغانستان سره د امریکا د مرستو په بدل کې له لجاجت نه لاس واخلي او تړون لاسلیک کړي.

د ده په خبره، له همدې امله ده چې د امریکا غوښتنه غیر معقول او استعماري نه ده.

ښاغلی دره صوفي زیاتوي، له بده مرغه چې کرزي د شخصي گنود لاسته راوړلو لپاره د خپلو لویديځو ملاتړو غوښتنې نادیده نيسي او د افغان ملت له غوښتنو سره مقابله کوي.

هغه زیاتوي، دغه ډول لجاجت به په نهایت کې د هېواد د امنیت او ثبات او خپله ولسمشر کرزي په زیان تمامه شي: ((ښاغلی کرزي باید درک کړي چې ځان یې د ترازو په یوې پله، افغان ملت، نړۍ ټولنه او د افغانستان دوست هېوادونه یې په بله پله کې اچولي. چې ځان تر ټولو دروند گڼي، چې په پایله کې به یې پردونکي پاتې شي. ښه دا ده چې ولسمشر خپل وزن او په همدې وزن له نړۍ سره معامله وکړي.))

مشرف در انتظار حبس ابد یا مرگ

پرویز مشرف باید به اتهام ارتکاب خیانت به وطن در برابر یک محکمه ویژه قرار گیرد. در صورت محکومیت، او را خطر مجازات مرگ یا حبس ابد تهدید می‌کند.

پرویز مشرف، رئیس جمهور پیشین پاکستان باید به تاریخ ۲۴ دسمبر در برابر محکمه ویژه قرار گیرد. این موضوع را یک نماینده حکومت روز جمعه به خیر گزاری فرانس پرس ابراز کرد.

این نخستین بار در تاریخ پاکستان است که یک فرد قدرتمند نظامی پیشین به اتهام خیانت سنگین باید در برابر محکمه پاسخ بگوید. به این ترتیب مشرف با حبس ابد و حتی خطر مرگ مواجه است.

حکومت پاکستان در ماه نوامبر یک محکمه ویژه را تعیین کرد. نواز شریف، نخست وزیر برای این محکمه سه قاضی را انتخاب کرد. چنانچه نماینده حکومت توضیح داده است، این سه قاضی به تقاضای حکومت در مورد جواب مثبت داده اند.

پرویز مشرف در اکتوبر سال ۱۹۹۹ نواز شریف، نخست وزیر آن وقت را با یک کودتای نظامی خونین از قدرت برانداخت و تا اگست سال ۲۰۰۸ بر پاکستان حکومت کرد.

علیه مشرف اتهامات متعدد قضایی صورت گرفته است، از جمله او به دلیل قتل بی نظیر بوتو، نخست وزیر پیشین پاکستان مورد پیگرد قرار دارد. مشرف بعد از حبس خانگی چندین ماهه در ماه نوامبر در بدل ضمانت آزاد شد، اما ویلای شخصی او در اسلام آباد بازم تحت نظارت شدید قرار دارد، چون طالبان قصد کشتن او را دارند. افزون بر آن او اجازه ترک کشور را ندارد.

هند:

امضای موافقتنامه امنیتی را پر اهمیت می‌دانیم



هند می‌گوید که توافقنامه امنیتی میان کابل و واشنگتن به نفع صلح و ثبات در منطقه است.

سخنگوی وزارت امور خارجه هند با تایید این مساله که معاهده نظامی میان رییس جمهور کرزی و نخست وزیر هند مورد بحث قرار گرفته، گفت: دهلی نو و کابل این توافق را برای امنیت و ثبات پر اهمیت می‌دانند.

وی با رد اعمال فشار از سوی هند برای امضای این توافق افزود: روابط بین دو کشور بر مبنای سه عنصر است. ما در امور کابل مداخله نمی‌کنیم. چیزی را برایشان تجویز نمی‌کنیم و تصمیم‌گیری وجود ندارد و در نهایت در هیچ مساله‌یی قضاوت نمی‌کنیم. هند به دنبال برقراری ثبات در افغانستان است و تلاش فراوانی برای این کار انجام می‌دهد تا از بازگشت طالبان جلوگیری کند.

هند نیز به کابل اطمینان داده که خروج ۷۵ هزار نیروی نظامی ناتو تحت رهبری امریکا در پایان سال آتی میلادی از افغانستان باعث بازگشت طالبان به قدرت نخواهد شد.

سفیر سابق هند در کابل با اشاره به این مساله که کرزی نباید انتظار داشته باشد تمام آرزوها و تمایلاتش محقق شود، گفت: رییس جمهوری افغانستان نمی‌تواند با فهرستی از تمایلات به هند بیاید و این فهرست را به نخست‌وزیر تحویل دهد و انتظار داشته باشد به تمام این خواسته‌ها عمل پوشانده شود.

شهروندان هرات:

عامل خشونت بر ستاره مجازات شود



به دنبال بریده شدن بینی و لب یک زن توسط شوهرش در هرات، صدها تن در همایشی در میدان مرکزی این شهر، خواستار برخورد جدی با عاملان این گونه خشونت‌ها شده‌اند.

در این همایش، علاوه بر مسوولان نهادهای مدنی، شماری از مقام‌های دولتی و مسوولان کمیسیون مستقل حقوق بشر هم به جمع آنها پیوسته بودند.

عبدالقادر رحیمی، رییس دفتر محلی کمیسیون حقوق بشر در هرات گفت که شرکت کنندگان این همایش می‌خواهند نسبت به خشونت که با ستاره صورت گرفته، ابراز انزجار کنند و از دولت و جامعه بخواهند که زنان را مورد حمایت بیشتری قرار دهند.

در یک تماس تلفنی از آقای رحیمی پرسیده

شد که از کمیسیون حقوق بشر انتظار می‌رد که کارکردهایش منجر به کاهش خشونت علیه زنان شود، مسوولان این نهاد چرا در این مورد فکر نمی‌کنند که خود به جمع معترضان پیوسته‌اند؟ او پاسخ داد: «ما در هر دو زمینه کار می‌کنیم.» این مقام کمیسیون حقوق بشر افزود: «ما هم در کنار جامعه...»

ادامه صفحه ۶

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

<p>برای دانشجویان و اساتید دانشگاه</p> <p>سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی</p> <p>شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی</p> <p>نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی</p> <p>یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی</p>	<p>دفاتر خارجی</p> <p>سه ماهه - ۱۰۰ دالر</p> <p>شش ماهه - ۲۰۰ دالر</p> <p>نه ماهه - ۳۰۰ دالر</p> <p>یک ساله - ۴۰۰ دالر</p>	<p>روزنامه ماندگار</p> <p>نارسیده به منزل یا دفاتر</p> <p>سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی</p> <p>شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی</p> <p>نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی</p> <p>یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی</p>	<p>برای دفاتر</p> <p>سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی</p> <p>شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی</p> <p>نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی</p> <p>یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی</p>
--	--	--	---

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰